



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۳ | ۱۴۴۶ | ۱۷ July 2024
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره سیصد و هشتاد و پنج
www.asrghanoon.ir

معلی

حسینییه‌ای به وسعت ایران

«حسینییه معلی» برنامه‌ای که در ششمین فصل حضور خود

روی آنتن شبکه سوم سیما همچنان بی نظیر و تکرار نشدنی است



حسینییه

«حسینییه معلی» برنامه‌ای که در ششمین فصل حضور خود روی آنتن شبکه سوم سیما با حضور مداحان، پیشکسوتان و پیرغلامان هیئت مذهبی کشور و با هدف ترویج فرهنگ روضه‌خوانی، نوحه‌خوانی همچنان بی نظیر و تکرار نشدنی است.

انحطاط متحجرانه؛ انعطاف‌پذیری متفکرانه



مسائل زمان خودمان را مسائل زمان همهٔ انبیاء بدانیم، تا کتاب معرفت ما گسترده‌تر شود و نگاه عمیق‌تری به دین پیدا کنیم. اگر اینظوری نگاه بکنیم دایرهٔ استنادی که ما می‌توانیم از آن برای فهمیدن این دین نازنین ...

۲

کربلا امانت امام حسین (ع) به ما می‌باشد



کربلا امانتی است که به ما سپرده شده و ما باید آن را حفظ کنیم که کربلا و عاشورا ما را حفظ می‌کند. ما هر چه بخواهیم در آینده ارزش‌های خود را حفظ کنیم بدون تکیه به کربلا و عاشورا ممکن نیست.

۲

قیام عاشورا؛ الگویی برای آینده



عاشورا یک فرهنگ و زیست‌جهان است و محدود به مقوله خاصی نیست. از قیام عاشورا می‌توان درس زندگی، ماندن، بودن، شدن و حرکت کردن را گرفت.

۴

چگونه می‌توان حسینی زیست؟



حسینی زیستن بصیرت، درک و شعور را به ارمان می‌آورد در غیر این صورت صرف حوزوی و ملیس بودن، نمی‌تواند باعث شود که انسان بصیر باشد.

۷

دست تقدیر الهی



حوادث زندگی فردی و اجتماعی ما اتفاقی و مبتنی بر تصادف نیست، بلکه مقدراتی است که با دست تقدیر الهی رقم خورده است. تا امیدها زنده شود.

۷

یک آزادی و یک دنیا چالش!



در نشست بررسی چالش‌های برگزاری مسابقات در ورزشگاه آزادی، دغدغه‌های تیم ملی در مسائل مرتبط با میزبانی مسابقات و حساسیت موجود درباره میزبانی باشگاه‌های ایرانی در لیگ نخبگان آسیا مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۸

انحطاط متحجّرانه؛ انعطاف‌پذیری متفکرانه

علیرضا پناهیان

- مسائل زمان خودمان را مسائل زمان همهٔ انبیاء بدانیم**

مسائل زمان خودمان را مسائل زمان همهٔ انبیاء بدانیم، تا کتاب معرفت ما گسترده‌تر شود و نگاه عمیق‌تری به دین پیدا کنیم. اگر اینطوری نگاه بکنیم دایرهٔ اسنادی که ما می‌توانیم از آن برای فهمیدن این دین نازنین، لذت بردن از آن و اشتباه نکردنِ دربارهٔ این دین استفاده بکنیم، بسیار گسترده‌تر می‌شود.

- معنای تحجر چیست؟**

با توجه به آیه شریفه قرآن کریم «*مَمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِن مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ؛* سوره بقره، آیه ۷۴) قلب مؤمنین معجزه‌دیده، قلب مؤمنین آبدیده در طوفان حوادث و قلب مؤمنین مشاهده‌کنندهٔ آیات خدا ممکن است مانند سنگ بشود. به این تحجر می‌گوییم. این جالب است که مؤمنین بعد از اینکه این معجزات الهی را دیدند قسی‌القلب و متحجر می‌شوند.

تحجر ممکن است تحجر فکری یا تحجر قلبی باشد. البته تحجر فکری هم وابسته به تحجر قلبی است. این که طرف یک حرف منطقی بزند و دیگری محکم می‌گوید نه نمی‌خواهم! نمی‌پذیرم! این تحجر فکری است، ببین قلبش چه خبر است؟! تحجر فکری ناشی از تحجر قلبی است.

- اهمیت دور ماندن از تحجر**

در آیه دیگری می‌فرماید: «*فَمَنْ يَرِدَ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ*» کسی که خدا بخواهد او را هدایت کند «*يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ*» سینهٔ او را گشاده می‌کند برای اسلام «*وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضَلَّهُ*» و کسی را بخواهد گمراه کند، یعنی از دستش ناراحت است، می‌خواهد گمراهش کند، یک چیزی از او دیده و می‌خواهد نابودش کند؛ «*يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا*»، خدا سینهٔ او را تنگ و سخت قرار می‌دهد و مثل سنگ می‌کند. «*كَلِمَاتًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ*» انگار می‌خواهد از شدت فشار منفجر شود و به آسمان برود.

بعد می‌فرماید «*كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ لِرَحْسَنِ عَلِيٍّ الذِّينَ لَا يُؤْمِنُونَ* (انعام، ۱۲۵)» این همان پلیدی است که خدا برای کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد. فکر نکندید ایمان نمی‌آورند، یعنی کلاً ایمان نمی‌آورند! نه، اینها زمانی ایمان آورده بودند و مثل ما هستند. اهمیت این بحث به چیست؟ در آیه بعد می‌فرماید: «*وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا* (انعام، ۱۲۶)» این شرح صدر آن صراط مستقیم است.

- دین یک جریان انعطاف‌پذیر و سیال است**

دین آن چیزی نیست که مجموعه‌ای از دستورات را بدهند و بعد کورکورانه بروی و این دستورات را اجرا کنی. باید دقت کنی که هر لحظه باید از کدام دستور دینی، دست برداری و کدام دستور را نسبت به کدام دستور ترجیح بدهی؟ هر دفعه کدام بی‌دینی را سخت بگیری و کدام بی‌دینی را سخت نگیری؟ دین، انعطاف‌پذیر است. دین یک جریان سیال است که اگر سیالیتش را درک نکنی با خود دین دچار قساوت می‌شوی، مثل سنگ می‌شوی.

- تحجر، عامل بیشتر دین‌گریزی‌ها در جامعه**

واقعاً برخی از برداشت‌ها از دین غلط است و عامل بیشتر دین‌گریزی‌ها و تنفرها از دین در جامعهٔ ما همین تحجر است! آنقدر که متحجرین حال بیقیهٔ را از دین به هم می‌زنند، هیچکس حال بقیه را از دین به هم نمی‌زند. دین خدا زیباتس، جذاب و دوست‌داشتنی است، عشق است، آسان است، اصلاً دین خیلی فوق‌العاده است.

- تحجر، یکی از دلایل عاقبت به خیر نشدن**

یکی از دلایل عاقبت‌بخیر نشدن آدم‌ها، تحجر است. یکی از ریشه‌های تحجر این است که آدم به خاطر اینکه برحق است احساس تکبر، عجب یا غرور بکند. مرحوم آیت‌الله‌شاه‌آبادی –استاد عرفان امام خمینی (ره)– مشکل جامعهٔ مؤمنین را در غرور به حقانیت می‌دانستند. تعبیر غرور به حقانیت مربوط به زمانی است که مؤمنین غریب، ضعیف و مظلوم بودند و زیاد جای غرور نبوده است، ولی امروزه که آن غریت و ضعف برطرف شده، خیلی بیشتر باید نگران غرور به حقانیت بود.

- غرور به حقانیت، عامل تحجر است**

از نظر زمانی ما بیشتر در معرض غرور نسبت به حقانیت هستیم. غرور نسبت به حقانیت، تصلّب و تحجرّ ایجاد می‌کند. و دیگه نمی‌توان اطراف و اسرار پیچیدهٔ همان حق را درک کرد؛ مخصوصاً وقتی که علم با دین آمیخته بشود. اهل علم به نوعی در معرض تکبر و تحجر هستند، اهل دین هم به نوعی دیگر در معرض تکبر هستند. عجب یکی از وجوه تکبر است. عجب آفت عبادت است و انسان طرفدار حق، عجب پیدا می‌کند.

- شادی همراهِ با تکبر و سرمستی، یکی از عوامل تحجر**

قرآن کریم در سورهٔ غافر (آیه ۸۳) می‌فرماید: «*فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ*». فرح در قرآن شادی محض نیست. فرح، شادی توأم با تکبر است، شادی توأم با بدمستی و نفهمی است، شادی توأم با بی‌دقتی است، الکی خوش‌بودن است. آیه می‌فرماید چون اینها یک علمی از انبیاء گذشته داشتند، یک فرحی در آنها ایجاد شده و نتوانستند حق را ببپذیرند، دیگر حتی نتوانستند بفهمند این پیامبر، ادامهٔ آن انبیاء گذشته است که قصه‌هایش را بلد بودند.

- داشته‌ها و بهره‌ها از حقیقت، می‌تواند باعث تحجر شود**

تحجر یک مسئلهٔ عام‌البلوی است. بر اساس آیات قرآن وقتی معنای تحجر را توسعه بدهید، همان کسانی دعوت پیامبر اکرم را نپذیرفتند که در اطراف مکه منتظر آخرین پیامبر بودند و می‌دانستند آنجا ظهور

می‌کند و علاقمش چیست. ولی وقتی آخرین پیامبر آمد، اینها که باید اعوان و انصارش می‌شدند، بدترین دشمنانش شدند. این افراد یک چیزی داشتند، اگر چیزی نداشته باشند که مقاومت نمی‌کنند. در مقابل امام زمان(عج) هم عده‌ای با قرآن می‌آیندا یعنی هم رسول خدا (ص) با نوعی تحجر مواجه بودند و هم امام زمان (عج). امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) نیز با نوعی تحجر مواجه بودند. تحجر مسئلهٔ ساده‌ای نیست.

ما با خطر تحجر مواجه هستیم. تحجر می‌تواند با دارایی‌هایی که داریم، ایجاد شود؛ حتی دارایی عاطفی و معنوی خوب! دارایی عاطفی خوب مانند کسانی که در کربلا بودند و در موردشان گفتند که «قلوبهم معک و سیوفهم علیک»، دلشان با امام حسین (ع) است ولی شمشیرشان علیه ایشان است. ما باید از این عبرت بگیریم.

- تحجر، مسأله‌ای فراگیر و عمومی**

ما باید مسئلهٔ تحجر را یک مسئلهٔ فراگیر و برای هر کسی بدانیم که با یک حقی آشنا می‌شود. ما باید با معنای توسعهٔ‌یافتهٔ تحجر ارتباط برقرار کنیم. یکی از ایرادهای شناختی ما اساساً این است که فکر می‌کنیم تحجر حتماً برای قوم مخصوصی بوده که آدم‌های عجیب و غریبی بوده‌اند. این مسأله، عام‌البلوی است. چنانکه وقتی صحبت از کفر و بت‌پرستی می‌شود، ما هم در معرض این خطر‌ها هستیم.

- تأثیر تقوا بر دوری از تحجر**

قرآن کریم روشی دارد که همه را به تقوا دعوت می‌کند ولی خود تقوا و رسیدن به آن مبهم است. طرح واقعاً فوق‌العاده‌ای است. مثلاً می‌فرماید روزه بگیرید، شاید به تقوا برسید. اگر شما اهل عبادت بشوی، لزوماً اهل تقوایی؟ نه! معلوم نیست. اگر در مسائل اجتماعی، عدالت‌خواه بشویم، تمام است؟ نه! صبر کن. «*اغْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى* (مائده، ۸)» عدالت بوزرید، این به تقوا نزدیک‌تر است. آن تقوا چیست؟ آن را به ما بگو! با انجام کلی عبادت، روزه و کار خوب، می‌فرماید آن‌شاه‌الله که با تقوا بشوی. من اگر نمازخوان دیدم نمی‌توانم قطعه‌نامه بگویم این حتماً با تقوا است. این رویکرد به تقوا یعنی چی؟ یعنی خدا عنصری را نگه داشته که تو هیچ‌وقت مغرور نشوی. بعد می‌فرماید: «*إِنَّمَا يَنْتَقِلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ* (مائده، ۲۷)» خدا از باتقواها قبول می‌کند. خُب ما الآن این کار را انجام دادیم چی؟ می‌فرماید آن که معلوم نیست بر اساس تقوا بوده است یا نه. غرورت را می‌شکنند، توی دلت، ترس می‌اندازد. این ترس تو را همیشه به بازنگری خودت وادار می‌کند و مانع تحجر می‌شود.

- ما متهم به تحجر هستیم ولی باید رفع اتهام کرد**

ما در جبههٔ انقلاب و در جامعهٔ دینداران، بیش از اینکه در معرض تحجر باشیم و بیش از آنکه به تحجر مبتلا باشیم، به تحجر متهم هستیم. لذا باید تحجر را شناخت و از مظاهر آن فاصله گرفت و از دینداران دربارهٔ تحجر رفع اتهام کرد تا بسیاری از افراد دلشان با اسلام، انقلاب و با مذهبی‌گری مهربان شود. برای جامعهٔ دینی ما زشت است که هنوز در جامعه، دینداران متهم به تحجر بشوند.

- ضربه‌ای که انقلاب از تحجر خورده، از دشمنان نخورده است**

ما نه‌تنها می‌خواهیم از جامعهٔ دینی رفع اتهام بکنیم که این جامعه دچار تحجر نیست بلکه می‌خواهیم خودمان هم علیه تحجر مدعی باشیم. ضربه‌ای که دین از تحجر خورده، ضربه‌ای که امام این انقلاب از تحجر خورده، از دشمنان انقلاب نخورده است. یکی از اهداف این بحث این است که خودمان هم حواس‌مان باشد طوری رفتار نکنیم که بوی تحجر به مشام دیگران برسد، ولی متأسفانه این‌طوری رفتار می‌کنیم.

- ضرورت انعطاف‌پذیری انقلابی‌ها**

ما باید طوری رفتار کنیم که بگویند انقلابی‌ها فوق‌العاده انعطاف‌پذیر هستند. و به خودشان فوق‌العاده سخت‌گیر هستند که مبدا دچار تحجر بشوند. من و شما نباید طوری رفتار بکنیم که بوی تحجر از ما به مشام برسد. قرآن اینطوری رفتار نمی‌کند! روایات اهل‌بیت (ع) اینطوری رفتار نمی‌کنند. ابد! شما هرگز از امیرالمؤمنین علی (ع) بوی تحجر استشمام نمی‌کنید، مگر ایشان ارزش‌مدار نبودند؟! مگر ایشان بر اصول‌شان پایدار نبودند؟! مگر شما از ایشان سخت‌گیرتر در دینداری می‌بینید؟!

- تحجر، نابودکننده است**

تحجر نباید شعار کسی از غیرانقلابی‌ها علیه انقلابی‌ها باشد، ما خودمان بیشتر علیه تحجر فریاد می‌زنیم. تحجر بسیار کم هم ضرر دارد و نابودکننده است. تحجر کم برای کلّ انقلاب، کشور، نظام و تاریخ پیروزمندانه و شکوهمندانهٔ انقلاب هزینه تولید می‌کند.

- سه هدف مهم در بحث از تحجر**

در بحث از تحجر به دنبال این هستیم که اولاً خودمان به تحجر آلوده نباشیم چرا که کسانی که اهل دیانت هستند و معرفت دینی دارند، بیشتر در معرض تحجر هستند؛ ثانیاً اگر تحجر نداریم، رفتار و گفتاری که بوی تحجر بدهد هم نداشته باشیم؛ ثالثاً کسی هم نتواند ما را به تحجر متهم بکند.

- نمونه‌ای از دفاع متحجرانه در موضوع ولایت**

چرا ما گاهی متحجرانه در مورد ولایت صحبت می‌کنیم؟ وقتی که کسی داد می‌زند که «ولایت را باید اطاعت کرد»، این کلام باعث سوء‌برداشت از مفهوم و کارکرد ولایت می‌شود. آنقدری که ولایت می‌خواهد ما به قدرت تشخیص برسیم، آنقدر اصرار ندارد که ما اطاعتش بکنیم. چرا عده‌ای بد حرف می‌زنند؟ اصلاً ولایت مگر چقدر دستور داده که تو بخواهی اطاعت کنی؟ ولیّ خدا همان حسینی (ع) است که شب عاشورا هم دستور نداد و اصحاب خودشان تشخیص دادند که همراه ولایت بمانند.

- نقش ولایت در رسیدن مردم به قدرت تشخیص**

در کنار کلمهٔ ولایت، باید بیشتر از «تشخیص» سخن گفت نه از «تکلیف» تا برداشت غلط ایجاد نشود. آیا ولایت، اطلاعات از خودش را می‌خواهد یا رسیدن مردم به قدرت تشخیص را؟ ولایت، ایستاده است تا قدرت تشخیص مردم بالا برود. کلمات دیگری که در کنار ولایت به کار رفته را ببینید. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید «*لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ* (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)». عَلم ولایتمداری را کسی به دوش نمی‌تواند بکشد، مگر کسی که اهل صبر و بصیرت باشد و قدرت روحی بالا داشته باشد. این یعنی چی؟ خُب امیرالمؤمنین (ع) اگر می‌خواست اینطور می‌گفت که کسی نمی‌تواند این عَلم ولایت را به دوش بکشد، مگر کسی که مطیع امر ولایت باشد.

- فضای دین، چه تأثیری بر دوری از تحجر دارد؟**

فضای دین ما، فضایی است که به این سادگی کسی نمی‌تواند با اطمینان از حقانیت خودش و از حقانیت تشخیص خودش حرف بزند. این عدم اطمینان از خود در موضوع عاقبت‌بخیری هم مطرح است که مسأله‌ای بسیار مهم است. از طرف دیگر قرآن کریم می‌فرماید «*فَلَا تَزُكُوا أَنفُسَكُمْ* (نجم، ۳۲)»؛ کسی خودش را پاک نداند، بعد می‌فرماید: خدا آگاه‌تر است به این که چه کسی با تقوا است «*هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى*». همچنین خود توصیه به تقوا هم که بسیار پر تعداد است، توصیهٔ مبهمی است. تقوا یک امر پیچیده و پنهان است. کسی نمی‌تواند خیالش از گذشته و آینده‌اش راحت باشد. این فضای دین ماست. دین، آدم مغرور تربیت نمی‌کند. دین، آدمی که دیگران را به راحتی تخطئه بکند؛ تربیت نمی‌کند

- انعطاف‌پذیری متفکرانه، نقطهٔ مقابل تحجر**

تحجر یک نوع ایستایی است. یک نوع تصلّب و سخت‌گیری بی‌دلیل است. نوعی تکبر و غرور به دینداری و یک نوع خودحق‌پنداری مطلق است. نقطهٔ مقابل تحجر، نوعی نرمی و انعطاف‌پذیری است. مؤمن متحجر نیست، یعنی موضعش فرق می‌کند و انعطاف‌پذیر است. البته انعطاف‌پذیری انواع و اقسامی دارد. انعطاف‌پذیری مؤمن، انعطاف‌پذیری متفکرانه است. مؤمن، انعطاف‌پذیری منافقانه و مژورانه ندارد. اگر دیدید کسی انعطاف‌پذیری نداشت و برای حق هم انعطاف‌پذیری قائل نبود، او دچار تحجر است.

- تحجر در میان روشن‌فکران چگونه است؟**

تحجر در میان غیرمذهبی‌ها هم وجود دارد. آدم لامذهب با آدم مذهبی فرقی نمی‌کند؛ کسی که متحجر است، متحجر است. در غیرمذهبی‌ها تحجر چگونه است؟ مثلاً فرد معلومات اندکی را از یک اندیشمند غربی یاد گرفته و حاضر نیست از آن عبور کند. در حالی که آن اندیشمند غربی، خودش هم آنقدر نظر خویش را جدی نگرفته است. آن قدر متصلبانه و خشک به علم او استناد می‌کند و محکم آن را گرفته که حاضر نیست نقد آن اندیشه را بشنود. بعضی‌ها با لیبرال دموکراسی غربی، چنین برخوردی دارند. تحجر در فضای روشن‌فکری هم هست. هر کسی نقدپذیر نباشد، ممکن است متحجر شود.

- ضرورت تعلیم دانش‌آموزان برای دور شدن از تحجر**

معلم‌های ارجمند من دست شما را می‌بوسم، نگذارید این دانش‌آموزها متحجر شوند. خواهش می‌کنم! تمنا می‌کنم! گاهی بیش‌پچه‌ها بگویند من اشتباه کردم! من نمی‌دانم! شاید این‌طور باشد! گاهی از اوقات دانش‌آموزی را تشویق بکنید که اشتباه خودش را می‌پذیرد. گاهی از اوقات یک حرفی به دانش‌آموز بزنید و بعد این حرف را پس بگیرید و حرف دیگری بزنید. به قرآن کریم توجه بفرمایید. خدا هم در قرآن آیات ناسخ و منسوخ دارد و گویی حرفش را عوض کرده است. می‌خواهد تحجرشکنی بکند.

- انعطاف‌پذیری مؤمن، شبیه به خوشه گندم است**

البته مؤمن نباید در همه چیز انعطاف‌پذیر باشد و انعطاف‌پذیری مؤمن یقیناً باید متفکرانه باشد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «*مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ السَّنْبِيلَةِ تَجَرَّ مَرَّةً وَ نَسْتَقِيمَ مَرَّةً* (تحف العقول، جلد ۱، ص ۳۸)». مؤمن شبیه خوشهٔ گندم است. خوشهٔ گندم را دیده‌اید چقدر نرم است؟ جریان باد که روی خوشهٔ گندم می‌وزد، موج برمی‌دارد. باد که می‌آید، خوشه‌ها به زمین نزدیک می‌شوند و دوباره بلند می‌شوند؛ خوشه گندم این قدر انعطاف‌پذیر است. برای اینکه انعطاف‌پذیری مؤمن روشن بشود، نقطهٔ مقابل آن را توضیح می‌دهد و می‌فرماید «*مَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ الْأَرزَّةِ لَا يَزَالُ مُسْتَقِيمًا لَا يَشْعُو*»، کافر مانند یک درخت خشکیده‌ای است که پابر جاست و هیچ‌وقت انعطاف ندارد.

- آشنایی بیشتر با تحجر و تأثیرگذاری خوارج**

خوارج، متحجرینی بودند که جلوی امیرالمؤمنین علی (ع) ایستادند. امیرالمؤمنین علی (ع) شخصیت کمی نیست بلکه در عالم خلقت، تک است. جان رسول خدا (ص) است و زندگی او صرف موضوعات فرعی نمی‌شود. وقتی خوارج سر راه ایشان سد ایجاد کردند، یعنی خوارج اصلی‌ترین مشکل حیات بشری هستند. امیرالمؤمنین(ع) درگیر موضوع فرعی نمی‌شود.



- اشتباه ذهنی، مهمترین عامل تحجر در میان خوارج**

حضرت علی (ع) در مورد خوارج فرمودند که اینها اشتباه کردند. این اشتباه یعنی اشتباه ذهنی. حتی خیلی از معنویات خوارج سر جایش بود، در جهاد کم نمی‌گذاشتند، آدم‌های تنبل و تن‌پروری نبودند. پس چه ایرادی داشتند؟ حتی عبارت مقدس‌نما هم برای خوارج مناسب نیست، چون مقدس‌نماها کسانی هستند که به سجاده چسبیده‌اند و از جهاد فرار می‌کنند، ولی خوارج مجاهدان صف اول بودند. ایراد خوارج، یک ایراد ذهنی بود و به تحجر شناختی دچار شده بودند.

- در اوج قدرتمندی گفتمان انقلاب اسلامی هم باید از تحجر صحبت کرد**

مسألهٔ خوارج، یک مسألهٔ اصلی است؛ کسانی که تحجر ویژگی محوری آنهاست. چرا نباید انقلاب اسلامی هم دچار چنین مشکلی باشد؟ ما در اوج قدرتمندی گفتمان انقلاب اسلامی، باید از تحجر صحبت کنیم. الآن گفتمان انقلاب اسلامی، واقعاً گفتمان قدرتمندی است. در همین انتخابات اخیر نیز قدرت این گفتمان نشان داده شد. گفتمان انقلاب اسلامی با رهبری مقام معظم رهبری توانست انتخاباتی را با حضور نزدیک پنجاه درصد از واجدین شرایط پشت سر بگذارد. این یک پیروزی برای انقلاب است. به علاوه هر دو بزرگواری که در نهایت به مرحله دوم انتخابات رفتند، هیچ‌کدام خارج از گفتمان انقلاب اسلامی نبودند.

- آشنایی با مفاهیم قرآنی مرتبط با تحجر؛ تناسب مفهوم عبد با انعطاف‌پذیری**

اهمیت ماجرای تحجر بسیار زیاد است. اگر تحجر مهم است، آیات قرآن باید مشحون از پرداختن به آن باشد. مفهومی در قرآن کریم هست که اگر دقت بکنید از معنای لغوی گرفته تا معانی عمیق معنوی و عرفانی‌اش دقیقاً نقطهٔ مقابل تحجر است و می‌خواهد هر نوع تحجر را سلب کند. این مفهوم از ابتدا تا آخر قرآن در کلیدی‌ترین و حساس‌ترین جاهای قرآن به کار رفته و آن مفهوم «عبد» است. عبد به معنای انسان خوب نیست. عبد یعنی انسان صد در صد منتعطف در برابر خدا. در مفهوم عبد، مهمترین چیزی که خواسته شده، اطاعت نیست؛ انعطاف است. کلمهٔ عبد به آن انعطاف اشاره دارد. عبد، به معنای انسان با اخلاق نیست. عبد یعنی انسانی که هر اخلاقی دارد، در نهایتِ انعطاف در مقابل امر مولا است.

- تناسب مفهوم امتحان با انعطاف‌پذیری**

مفهوم دیگری در قرآن که در مقابل تحجر قرار دارد، امتحان است. می‌فرماید «*الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ* (سوره ملک، آیه ۲)». مفهوم امتحان و ابتلا چیزی جز این نیست که خدا از ما انعطاف می‌خواهد و کسانی که این انعطاف را نداشته باشند، دچار تحجر می‌شوند. امتحان یعنی خدا می‌خواهد ببیند شما دقیقاً چکاره هستی؟ مثلاً در یکی صفت سخاوت خیلی بالاست، خدا امتحانش می‌کند و در یک مخممه‌ای را او قرار می‌دهد که اتفاقاً باید جلوی سخاوت خودش بایستد. بعد دیگری را نگاه می‌کند که سخاستش خیلی بالاست، یک امتحانی از او می‌گیرد که این فرد باید در آنجا سخاوت خرج کند. بعد آن دیگری را نگاه می‌کند که چه آدم منظمی است. امتحانی از او می‌گیرد که به خاطر وظایفش باید با روی نظم خودش بگذارد. عبد باید در امتحانات، انعطاف نشان بدهد.

- تناسب مفهوم زمان با انعطاف‌پذیری**

مفهوم دیگری که ذیل مفهوم امتحان مطرح شده و برای انعطاف‌پذیری باید به آن توجه کرد، مفهوم زمان است. دینداری در بستر زمان معنا دارد. کسی که متحجر است؛ یکی از بدبختی‌هایش این است که زمان را نمی‌شناسد. زمانه را درک نمی‌کند و متناسب با زمان عمل نمی‌کند.

- تحجر از منظر انسان‌شناسی**

اگر از منظر وجود انسان به موضوع تحجر بپردازیم، انسان موجودی است که اگر همین‌طوری رهایش کنند به سمت تحجر می‌رود. انسان خاصیتی دارد که تغییر را دوست ندارد، انعطاف‌پذیری را دوست ندارد. حتی می‌گویند کلمهٔ انسان از انس گرفته شده است. انس یعنی انسان به یک چیزی خو و عادت می‌کند، بعد دیگر رهایش نمی‌کند. انسان دو ویژگی دارد، هم انس پیدا می‌کند و هم عادت می‌کند و دوست ندارد انس و عادت خودش را کنار بگذارد.

کربلا امانت امام حسین(ع) به مامی باشد

محمدرضا سنگری

به نقل از ایکننا دکتر محمدرضا سنگری، پژوهشگر عاشورایی و مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سخنرانی سومین شب ماه محرم در مؤسسه فرهنگی و هنری فرهنگ عاشورا دزفول به بیان مطالبی درباره موضوع امانت پرداخت که مشروح آن را در ادامه می‌خوانیم:

در دو شب گذشته با اتکا به سخنی از حضرت اباعبدالله(ع) بحثی را آغاز کردیم که ان‌شاءالله دستگیر ما در ارتباط‌های چهارگانه‌ای که در زیست خود داریم، راهگشا باشد. روایت این بود که حضرت اباعبدالله(ع) فرمودند: «الأمین آمن و البريء جرىء و الخائف والمسيء مستوحش. اذا وردت علی العاقل لمه، قمع الحزن بالحزم و قرع العقل للاحتیال» فرد درستکار همیشه آرامش دارد. انسان بی‌گناه، بی‌پاک است. خیانتهکاران همیشه ترسان هستند. گناهکاران همیشه در نوعی هراس و ناامنی به سر می‌برند. دائم تشویش خاطر و بحران روحی و روانی دارند. هرگاه بر عاقلان و اندیشه‌وران اتفاقی بیفتد که ناگوار باشد، اندوه را با دوراندیشی دور خواهند کرد. فرد عاقل، غم و غصه را با عنصر حزم یا دوراندیشی می‌زداید.

به‌اعتبار جمله اول این روایت یعنی «الأمین آمن» (درستکاران همیشه آرامش دارند) به بحث امانت پرداختیم و گونه‌های مختلف امانت را گفتیم. امشب می‌خواهیم به گونه دیگری از امانت‌ها بپردازیم که بحث بسیار مهمی است و آن اسرار و رازهایی هستند که خود شکلی از امانت را برای ما دارند. رازها امانت هستند.

ما ۱۰ نوع راز در زندگی داریم که طبق روایات آنها را نباید گفت. اینها امانت هستند؛ اولین نوع آن مسائل شخصی زندگی است که نباید برای دیگران بازگو کرد چون ممکن است بعدها آنها را به دیگران منتقل کنند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «رازی که خود نتوانسته‌ای نگه داری چگونه انتظار داری دیگران نگهداری کنند». بنابراین سفره دل‌تان را همیشه باز نکنید. مراقب باشید. به روز مبدا فکر کنید ممکن است بعدها برای شما دردسرهایی ایجاد کند. در روایت می‌خوانیم: «کل سرّ جاوَزَ الاثنینِ شاع» هر رازی که از دو نفر تجاوز کند، شایع می‌شود. آقایان و خانم‌ها مسائل زندگی خود را برای دیگران بازگو نکنند. گاهی مسئله عادی است اما دستاویز مسائل دیگر می‌شود.

راز دیگر، کارهای خیر و خوب است. اعمال صالح خود را بیان نکنید. طرح کارهای خوب ممکن است سه مشکل برای شما ایجاد کند؛ اول اینکه ممکن است ما را به دام غرور و خود بزرگ‌بینی بیندازد. در فرهنگ دینی ما آن‌گاه که کارهای خوب

را پنهان کنی خداوند آنها را آشکار می‌کند و آنها که سعی می‌کنند خوبی خود را در مقابل نگاه‌ها مطرح کنند، سریع گم خواهند شد. این وعده الهی است. مشکل دیگر این است که ممکن است دچار ریاکاری شوید و سوم ممکن است اگر شما را تحسین نکنند، سست شوید.

سومین رازی که امانت است بحث ناراحتی‌ها و کدورت‌هایی است که از دیگران داریم. این کدورت‌ها را پیش دیگران مطرح نکنید. ذهن دیگران را نسبت به اشخاص تاریک و تیره می‌کنید. ذهنیت منفی برای دیگران نسازید.

نکته دیگر این است که هدف‌ها و ایده‌های بلند خود را مطرح نکنید. وقتی یک ایده دارید آن را زود بیان نکنید. جمله‌ای است که می‌گوید: «استر ذهبک و ذهابک و مذهبک» «ذهب» یعنی طلا و منظور مال است. داشته‌های خود را برای دیگران مطرح نکنید. مثلا وضعیت حساب‌تان را برای دیگران نگویند. گاهی طلاهایی که خانم‌ها به همدیگر نشان می‌دهند باعث ایجاد دعوا و اختلاف می‌شود. «ذهب» یعنی رفت‌وآمد. رفت‌وآمدهای خود را اینکه پیش چه کسانی می‌روید و رفت‌وآمد دارید، نگویند. شبکه روابط خود را مطرح نکنید. برخی افراد تصویر همه مهمانی‌های خود را با سفره و جزئیات آن با دیگران به اشتراک می‌گذارند. ما نمی‌دانیم با این کارها چه قدر بحران ایجاد می‌کنیم.

«مذهب» در این جمله یعنی دیدگاه‌ها. همه جا نیاز نیست دیدگاه‌های خود را مطرح کنید؛ حتی باورهای سیاسی خود را راحت مطرح نکنید. اگر طرح این باورها به پیشبرد اهداف مقدس دینی و انقلابی کمک می‌کند، بگویید، اما در هر جا دیدگاه خود را نسبت به مسائل مطرح نکنید.

نکته هفتم که امانت است، رازهای دیگران است. راز دیگران پیش شما امانت است. مسئله پنهانی دیگران را این سو و آن سو نگویند. حتی اگر از کسی چیزی دیدید که دوست ندارد مطرح شود، آن را مطرح نکنید. امام صادق(ع) می‌فرماید که اگر کسی میثی را غسل دهد و در بدن او چیزی می‌بیند - که آن شخص آن را پنهان کرده است - و آن را برای دیگران نگوید، خداوند او را مورد مغفرت قرار می‌دهد.

متأسفانه امروزه از چیزهایی که دیگران دوست ندارند دیده شود، عکس می‌گیرند، نقض همدیگر را بیان نکنید. خواهم گفت در کربلا چه رازهایی وجود دارد که آنها را حفظ می‌کردند یا فقط به اهلس می‌گفتند. این نکته بعدی است که رازها را با اهلس در میان بگذارید. خواب هم راز است. حضرت یوسف(ع)

وقتی خواب خود را برای پدر مطرح کرد، حضرت یعقوب فرمود: «این خواب را برای برادرانت بازگو نکن.» خواب را جز برای اهلس نگویند. خواب‌هایی که باعث تحول شما می‌شوند برای دیگران نگویند. به گفته حضرت فردوسی: «تو مر خواب را بیهوده نشری، یکی بهره دانی ز پیغمبری.»

اسراری هست که در ظرفیت مخاطب نیست، اگر شخص آمادگی آنها را نداشته باشد، آنها را مطرح نکنید. سخنانی هست که آمادگی و استعداد می‌خواهد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) یارانی داشتند که به آنها اصحاب‌السر می‌گفتند. وقتی با کودک خود حرف می‌زنی مسائلی را به او نگو که نتواند آنها را هضم کند. پس ظرفیت‌ها را بشناسید و متناسب با این ظرفیت‌ها سخن بگویید.

در کربلا، حضرت اباعبدالله(ع) امانت‌سپاری‌هایی داشتند. دیشب از امانت‌سپاری حضرت اباعبدالله(ع) به امام سجاد(ع) صحبت کردیم. حضرت اباعبدالله(ع) یک امانت معنوی به دخترش سکینه می‌سپارد. حضرت سکینه، ۵۶ سال بعد از کربلا زنده بود. او در سال ۱۱۷ از دنیا می‌رود. این امانت چه بود؟ حضرت سکینه می‌گوید: امام مرا به سینه فشرد. بلند گریه می‌کرد من هم گریه می‌کردم بعد پدرم این شعر را خواند:

سَيَطُولُ بَعْدِي يَا سَكِينَةَ فَاغْلَمِي / مِنْكَ الْبَيْكَاءُ إِذَا الْخَمَامُ دَهَانِي / لَا تُخْرِقِي قَلْبِي بِدُمُوعِ حَسْرَةٍ / مَا دَامَ مَنِّي الرُّوحُ فِي جُثْمَانِي / وَإِذَا قَتِلْتَ قَاتَتْ أَوْلِي بِالذِّي / تَأْتِينِيهَ يَا خَيْرَةَ النَّسَوَانِ

دخترم تو بعد از من گریه‌های طولانی خواهی داشت. این سخن اشاره پنهانی دارد که مجلس عزای مرا تو برپا کن. کما اینکه حضرت سکینه برگزارای هیئت مدینه را عهده‌دار بود. او زنان را جمع می‌کرد و از کربلا برای آنها سخن می‌گفت. امام در این شعر فرمود: با اشک‌های دل مرا نسوزان. وقتی کشته شدم این امانت را به تو می‌سپارم که از کربلا را برای دیگران بگویی. من کربلا را به تو می‌سپارم. یک معنای لطیف در این شعر «خیره النسوان» است که حضرت اباعبدالله(ع) به دخترش داد.

سومین امانتی که در کربلا سپرده می‌شود امانت‌های مادی و معنوی به امام سجاد(ع) است. شخصی از امام صادق(ع) پرسید آیا انگشتر امام حسین(ع) در ضمن اموال به غارت رفت؟ حضرت فرمود: چنین نیست که گمان کرده‌اند. حسین(ع) به فرزندش وصیت کرد و خاتم را در انگشت او گذاشت و امانت را به او سپرد(منظور، امامت است) و اکنون نزد من است و من روز جمعه آن را در دست می‌گذارم. راوی (محمد بن مسلم) می‌گوید روز

قیام عاشورا؛ الگویی برای آینده

مهاجرنیا ادامه داد: انقلاب اسلامی همانند امام حسین(ع) و آمریکا همانند یزید بن معاویه است و لذا در این شرایط ادغام گفتمانی امکان ندارد. امام حسین(ع) با قیام عاشورا درصدد ایجاد یک الگوی عملی و ذهنی است و نظری است و ادبیاتی را تولید کردند که در ساختن تاریخ و حاکمیت دین اثرگذار است. با وجود اینکه امام حسین(ع) به ظاهر نتوانستند حاکمیت یزید را از بین ببرند ولی با خون خود، ادبیات و گفتمانی را ترویج دادند که از دل آن آینده‌سازی و ارائه خط مشی به الگوهای تاریخی نتیجه داد.

■ قیام عاشورا؛ الگویی برای آینده

وی با بیان اینکه قیام عاشورا یک پدیده بریده از قبل یا پدیده منقطع از بعد نیست، گفت: قیام عاشورا را باید الگویی برای آینده و رفتاری مبتنی بر گذشته دانست. امام حسین(ع) با کسی مقابله کرد که فساد را بر روی زمین جاری کرد و حدود الهی را معطل نگه داشت. به طور کلی حضرت اباعبدالله الحسین(ع) تلاش داشتند به مردم بصره بگویند امویان دست به انحراف تاریخ زده‌اند و ایشان سزاوارترین شخص برای مقابله با انحراف و پیش‌قدم در تغییر محسوب می‌شوند. به طور کلی باید تأکید کرد که حضرت از طریق قیام عاشورا به دنبال مقابله با انحرافی بود که در سقیفه سنگ بنای آن گذاشته شده بود.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه بیان کرد: در زمان معاویه و یزید انحراف از وحی و رسالت اتفاق افتاد و امام حسین(ع) برای مقابله با این اتفاق، الگوسازی بر بستر وحی و رسالت را دنبال کردند. قیام عاشورا را باید قیام علیه تفکر و رفتارهای انحرافی دانست و برای مقابله با نظام استکبار و حاکمیت جور و برای مقابله با فساد باید به قیام امام حسین(ع) استناد کرد و از آن تأثیر گرفت.



جمعه مشتاقانه رفتم تا انگشتر امام حسین(ع) را ببینم. خاتمی دیدم که روی نگین آن نوشته بود: «لأله الا الله عده للقاء الله.»

امانت بعدی، امانت فرزندان به حضرت زینب(س) و دیگر زنان است. امام سجاد(ع) می‌فرماید: شبی که پدرم به شهادت رسید بیمار بودم و عمه‌ام زینب(س) از من پرستاری می‌کرد. پدرم به خیمه‌اش آمد و جون (غلام ابوذر) همراه او بود. امام در خیمه خود این شعر را می‌خواند:

يا دَهْرَ أَفَّ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ / كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَ الْأَصِيلِ / مِنْ طَالِبٍ وَ صَاحِبِ قَتِيلٍ / وَ الدَّهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ / وَ كُلَّ حَيٍّ سَالِكٍ سَبِيلِ / مَا أَقْرَبَ الْوَعْدِ إِلَى الرَّحِيلِ / وَ إِنَّمَا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ

عمه‌ام زینب بی‌تاب شد برخاست و از خیمه بیرون آمد و به امام گفت: کاش مرگ من فرا می‌رسید و این اشعار را نمی‌شنیدم. (چون این اشعار اشاره به شهادت دارد) امام به او فرمود: خواهرم مراقب باش، شیطان، صبرت را از تو بگیرد. زمینیان می‌میرند و آسمانیان پایدار نمی‌مانند. هر چیزی رفتنی است. تو را سوگند می‌دهم که اگر کشته شوم، گریبان چاک کنی، صورت نخراشی، فریاد و نفرین کنی. فرزندانم را به تو می‌سپارم و تو را به خدا می‌سپارم. (کتاب بررسی تاریخ عاشورا از محمد ابراهیم آینی که از بهترین کتاب‌هاست.)

و آخرین امانت، امانت کربلا به خود ما است. کربلا امانتی است که به ما سپرده شده و ما باید آن را حفظ کنیم که کربلا و عاشورا ما را حفظ می‌کند. ما هر چه بخواهیم در آینده ارزش‌های خود را حفظ کنیم بدون تکیه به کربلا و عاشورا ممکن نیست.



مهاجرنیا گفت: در زمان یزید جامعه مسلمانان به کل تغییر کرد، ذهنیت‌ها دگرگون شد، بدی‌ها به رو آمدند و زیبایی‌ها و نیکی‌ها در پس پرده قرار گرفتند، به حق عمل نمی‌شد و باطل در گستره جامعه اسلامی ترویج پیدا کرد و حق‌طلبی و حق‌خواهی از جامعه اسلامی حذف شد و شرایطی طوری بود که مؤمن آرزوی مرگ داشت. سپس امام حسین(ع) به عنوان یک الگوی تاریخی دست به قیام زدند.

وی با بیان اینکه قیام عاشورا الگو و تابلویی است که باید امروزه براساس آن زیست، تأکید کرد: با وجود اینکه شهادت امام حسین(ع) تلخ و جانسوز است، درس‌ها و عبرت‌هایی که از قیام عاشورا می‌توان گرفت به جانمایی ما در گفتمان حسینی در مقابل گفتمان یزیدی کمک خواهد کرد. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند گفتمان حسینی یعنی گفتمان اسلام ناب در مقابل گفتمان آمریکایی و لیبرالیسم. لذا باید با درس گرفتن از این الگو، قضیه قیام عاشورا را از حالت حزن، هیجان و احساسات صرف به حالت حماسه در سیاست و مقاومت تبدیل کنیم.

محسن مهاجرنیا

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن مهاجرنیا، عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با ایکننا، درباره ضرورت الگو گرفتن از قیام عاشورا گفت: قیام امام حسین(ع) به الگویی تاریخی تبدیل شده که پس از ۱۴۰۰ سال همچنان تثبیت‌شده در تاریخ باقی مانده و به سرمشقی برای دیگر قیام‌ها تبدیل شده است. امام حسین(ع) برای مقابله با حاکم جور دست به قیام زدند. قیام عاشورا را نباید منحصر به زمان خود دانست بلکه الگویی برای همه زمان‌هاست.

وی افزود: برخی معتقدند قیام عاشورا صرفاً یک حادثه تاریخی محسوب می‌شود و تمام شده و دیگر قرار نیست تکرار شود؛ در صورتی که عاشورا یک فرهنگ و زیست‌جهان است و محدود به مقوله خاصی نیست. از قیام عاشورا می‌توان درس زندگی، ماندن، بودن، شدن و حرکت کردن را گرفت. قیام امام حسین(ع) همانند تابلویی است که می‌توان ذیل آن دست به خوانش کل دین زد.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه بیان کرد: قیام امام حسین(ع) همانند الگوی ذهنی و عملی است؛ به عبارت بهتر همه بنیادهای دینی و معرفتی را از این تابلو می‌خوانیم. امام حسین(ع) همانند باب علمی است که همه علم را در بر گرفت و می‌توان امانت را ذیل قیام عاشورا تفسیر کرد. امامت یعنی همه هویت شیعه و همه هویت دین و همه تعاریفی که امامان معصوم(ع) از قیام عاشورا را ارائه کرده‌اند مبنایی برای مطالعه فلسفه قیام عاشورا است.

■ ارزش و جایگاه فلسفه قیام عاشورا در اندیشه سیاسی

مهاجرنیا با بیان اینکه امام حسین(ع) اسوه و الگوی رفتاری شیعیان محسوب می‌شود، گفت: کسی که به دنبال حرکت در



رودر رقابت چین و آمریکا به عرصه نبرد پهپادها

دولت‌های چین و آمریکا در رقابتی شدید برای دستیابی به برتری در فناوری ساخت پهپاد هستند. این رقابت نه تنها در آسمان بلکه در دریا نیز جریان دارد.

پهپادهای نظامی و غیرنظامی هر دو کشور به طور گسترده در ماموریت‌های شناسایی، نظارت و حتی عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پهپادهای پیشرفته آمریکا مانند «MQ-9 Reaper» و «Global Hawk» در عملیات‌های مختلفی در سراسر جهان شرکت داشته‌اند. در همین حال، چین نیز با توسعه پهپادهایی مانند «Wing Loong» و «CH-4» در حال افزایش حضور خود در این عرصه است.

این رقابت شدید نشان‌دهنده اهمیت بالای فناوری پهپادها در آینده نظامی و اقتصادی جهان است. هر دو کشور با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در تحقیق و توسعه، به دنبال دستیابی به برتری در این حوزه هستند. از همین روی، پیش‌بینی می‌شود که این رقابت در سال‌های آینده نیز با شدت بیشتری ادامه یابد.

رویای ناتویی!

محسن صیاد قنبری

ناتو می‌خواهد روابط خود را با چهار کشور که از شرکای مهم خود در آسیا و اقیانوسیه هستند تعمیق ببخشد و امسال هم برای سومین بار این کشورها را که شامل نیوزیلند، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا می‌باشند دوباره به اجلاس ناتو دعوت نموده است که بیشتر به منظور هماهنگی برای مقابله با روسیه و چین این کار صورت گرفته است. در واقع نزدیکی و اتحاد بین روسیه و چین از زمان جنگ روسیه و اوکراین ملموس تر شده است.

در جنگ لفظی بین آمریکا و چین، آمریکا می‌گوید که چین جاه طلب شده و با اقدامات تنش زا، چالش‌هایی را در نظم جهانی به وجود آورده است. چین هم می‌گوید که آمریکا دچار توهم و ذهنیت زمان جنگ سرد شده که با مهار نفوذ چین - که تحقق نمی‌یابد - می‌خواهد منافع بین المللی خود را دیکته نماید.

این را هم باید اضافه نمود که چین و روسیه از تحرکات جدید ناتو نگران هستند چراکه این اتحادیه پا را فراتر گذاشته و به اروپا و نیمکره غربی هم قانع نیست و این بار به شرق جهان و آسیا نیز چشم دوخته و خواهان نفوذ در آنجا می‌باشد که از این رو به شرکای آسیاییش نزدیکتر شده است. از سوی دیگر گویا ناتو می‌خواهد خود را برای جنگ احتمالی مستقیم با روسیه در آینده آماده نماید. از این رو بدنبال استقرار دوباره موشک‌های کروز با برد بالا در آلمان می‌باشد که خشم روسیه را در پی داشته است و همچنین آلمان پایگاه اصلی پشتیبانی برای جنگ خواهد بود.

پیشتر نیز بازرسی کل نیروهای مسلح آلمان، کارستن برور اظهار داشت: «مسکو در ۵ تا ۸ سال آینده تعداد نیروهای مسلح خود را به حد مطلوب برای "شروع جنگ با ناتو" افزایش خواهد داد». آلمان به شرکایش تضمین داده که نیروهای ناتو برای جنگ، در این کشور مستقر بشوند و برای آنها آب و غذا و دارو نیز تامین می‌نماید.

اردن هم به تازگی وارد داستان نفوذ ناتو در آسیا شده و با تأسیس دفتر نمایندگی این اتحادیه نظامی در کشورش موافقت نموده است که این هم می‌تواند برای چین و روسیه و حتی ایران و منطقه غرب آسیا زنگ خطر باشد. به نظر می‌رسد آمریکا و ناتو هنوز توهم و رویای سلطه بر کل دنیا را در سر دارند و اینگونه اقدامات، منجر به افزایش تنش و حتی وقوع جنگ جهانی سوم نیز خواهد شد و یا حتی ممکن است ماشه سلاح‌های هسته‌ای در بین روسیه و قدرت‌های غربی فعال گردد. جهان شاهد چالش‌های جدیدی بین قدرت‌ها در آینده خواهد بود. در ضمن پوتین هم گفت: «اگر اوکراین به ناتو بپیوندد، برای حذف اوکراین و ناتو از نقشه جهان لحظه‌ای درنگ نمی‌کنم».

این آرزو را به گور خواهند برد



به همین دلیل نیاز به جنایت و خونریزی دارد، نیاز دارد تا چهره واقعی و حقیقی صهیونیسم و تروریسم دولتی را بیش از پیش به جهانیان نشان دهد و بعد بگوید که بله، ما می‌خواستیم فلانی و فلانی را ترور کنیم!! صدها آواره بیچاره و بدبخت را مانند داستان فراری دادن ۴ اسیر (که به بهای کشته شدن ۸ صهیونیست دیگر تمام شد) قتل عام کردند تا به زعم خودشان بگویند که بله، ما فهمیدیم که محمد الضیف کجاست! با این کارها آبروی ۹ ماهه‌ای که از دستگاه‌های جانی‌کاری مانند شایاک، موساد، شین‌بت و امان رفته را نمی‌توانید برگردانید.

حال محمد الضیف و دیگر فرماندهان مقاومت خوب است، با این جنایت‌ها هم چیزی عوض نخواهد شد، رهبران حماس هم کوتاه نخواهند آمد؛ بدون شک جنگ تا انتخابات آمریکا ادامه خواهد یافت و پس از آن نیز خواهیم دید که ترامپ حتی اگر به قدرت برسد (که بسیار بعید است) نخواهد توانست جنایتی را که باند مخوف و جنایتکار چندملیتی صهیونیسم در حق مردم غزه انجام داده‌اند را پایان دهد. این مسیر برای نتانیاهو و دیگر اوباش وحشتی و قاتل اطرافش بن‌بست است و کسی نمی‌تواند آن‌ها را از این بن‌بست خارج کند.

دشمن شکست سخت و غیرقابل ترمیمی خورده و با ادامه جنگ گزینه‌های دیگر هم وارد میدان خواهند شد، هیچ نسخه معجز‌آسایی برای نجات نتانیاهو وجود ندارد، او کاری کرد که ما با ده‌ها سال تلاش، با نوشتن هزاران یادداشت و کتاب، با گفت‌وگو رودررو با بسیاری از انسان‌های کره زمین قادر به انجام آن نبودیم؛ او روی حقیقی و واقعی این رژیم جانی و سفاک را به جهانیان نشان داد و مهر تاییدی برای صحبت کسانی زد که ماهیت واقعی این رژیم را برای جهانیان می‌گفتند ولی آن‌ها باور نمی‌کردند، ولی امروز همه باور می‌کنند.

جنگ جز با شکست دشمن به پایان نخواهد رسید، صهیونیست‌ها هر روزی که در غزه بمانند به نفع مقاومت است، هر روزی که جنایت کنند به نفع فلسطینی‌ها است، هر روزی که در این باریکه حضور داشته باشند به نفع جهان است. فلسطینی‌ها قتل عام می‌شوند اما خون آن‌ها چرخ پایان این رژیم جعلی و دروغین را یک بار برای همیشه به حرکت درآورده و به هیچ عنوان هم متوقف نخواهد شد. ما روزهایی را خواهیم دید که صهیونیست‌ها به همان شکلی که آمده‌اند از فلسطین فرار می‌کنند در حالی که تاریخ پر از جنایت آن‌ها در ذهن جهانیان ثبت شده و کسی آن‌ها راه و پناه نخواهد داد.

مسلمانان باید در برابر هجمه رسانه‌ای غرب متحد شوند

احمد محمد

وی افزود: این فیلم‌ها با تصور رژیم صهیونیستی تولید می‌شود و حتی فیلم‌های بسیاری را در دست دارند و مجریان برنامه‌های جهانی و بازیگران را در دست دارند و به کشورهای مختلف نفوذ می‌نمایند.

محمد ادامه داد: این‌ها همچنین در کشورهای خاورمیانه نفوذ کرده و حتی دست به خرابکاری می‌زنند تا سیاست‌های خود را در این کشورها اجرایی نمایند.

خبرنگار بخش عربی اسپوتنیک با اشاره به فلسفه خبیث کشورهای دنیا غرب گفت: بسیاری کشورها از بحران‌های سیاسی و اقتصادی خسته شده‌اند و از طرفی در بسیاری از این کشورها بحث شیعه و سنی را پدید می‌آورند.

محمد در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به این که رسانه در خدمت سیاست غربی‌هاست، اظهار کرد: کشورهای عربی با آمریکا شریک هستند؛ چون این فیلم‌ها اجازه پخش در روسیه و ترکیه و چین و... را ندارند و حتی ورود این فیلم‌ها در لبنان باید با اجازه دولت این کشور صورت گیرد.

وی افزود: جنگ رسانه هزینه بسیاری دارد ولی درآمدی برای کشورهای مورد نفوذ ندارد و صرفاً مشکلات خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی برای ما در پی دارد.

محمد از خرابکاری آثار سینمایی غرب در کشورهای مسلمان و غرب آسیا سخن گفت و در بخشی دیگر از این برنامه در رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: همه مسلمانان باید به یکدیگر نزدیک باشند؛ ولی آمریکا می‌خواهد همه مردم جهان بر اساس فرهنگ آمریکایی زندگی کرده و پیش روند. خبرنگار بخش عربی اسپوتنیک خاطر نشان کرد: آمریکا به‌راحتی دیپلماسی خود را از طریق این آثار انتقال می‌دهد؛ ولی فیلم‌های روسی اصلاً اجازه انتشار و ترجمه را در سایر کشورها خاصه در عربستان ندارد.

محمد افزود: آمریکا حتی می‌خواست جلوی انتشار آثار مولانا را بگیرد و اجازه ندهد مردم دنیا بدانند ایران دارای چنین فرهنگی است.

راز جنایت خان یونس چیست؟

ماجرای جایی آغاز شد که حماس در مذاکرات آتش‌بس، یک انعطاف در موضع خود داشت و بر این تأکید کرد که به جای ذکر پایان جنگ در متن توافق، ذکر شود که تا مذاکرات ادامه داشته باشد، آتش‌بس نیز برقرار است و بر سر کلمه آن اختلاف وجود داشت.

همین مسئله باعث شد تا نتانیاهو اینگونه برداشت کند که "انعطاف حماس، ناشی از فشار بر مقاومت در غزه است." این محاسبه خطرناک البته نه باعث انعطاف طرف مقابل شد که با این تلقی که "فشار جواب می‌دهد" نتانیاهو نیز بر برخی خواسته‌های کلیدی خود پافشاری کرد هر چند کلیت مذاکرات به شکل مثبت پیش می‌رفت.

این مسئله باعث شکل‌گیری دو روند شد:

۱. نیاز رژیم به خلق تصویر پیروزی در غزه تا راه برای قبول آتش‌بس از سوی تل‌آویو هموار شود.

۲. افزایش فشار به حماس برای عقب‌نشینی هر چه بیشتر در مذاکرات.

بنابراین به نظر می‌رسد رژیم در عملیات امروز خان یونس که با هدف ترور ابوخالد و رافع سلامه صورت گرفت، همزمان به دنبال افزایش فشار بر حماس و البته ساخت پیروزی برای قبول آتش‌بس بوده است.

کاهش وابستگی آسیای مرکزی به چین و روسیه



نزدیک شدن غرب به موفقیت در پروژه کاهش وابستگی آسیای مرکزی به چین و روسیه

رزمایش نظامی مشترک قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و آذربایجان تحت عنوان "اتحادیه-۲۰۲۴" در قزاقستان در حال برگزاری است.

این اولین رزمایش نظامی منطقه در نوع خود است که دو قدرت منطقه یعنی چین و روسیه در آن حضور ندارند.

گفتنی‌ست، کاهش وابستگی‌های مختلف بویژه نظامی و سیاسی آسیای مرکزی از پکن و مسکو یکی از راهبرد های واشنگتن برای هموارسازی مسیر نفوذ به منطقه است. از طرفی نزدیک شدن و الحاق آذربایجان به پلتفرم‌های سیاسی و نظامی آسیای مرکزی نیز تکه ای از پازل غرب در آسیای مرکزی دانسته می‌شود.

برگزاری این رزمایش توسط این کشورها بدون حضور دو قدرت منطقه و سعی آنها برای نشان دادن استقلال از قدرت‌ها در زمینه‌های مختلف، می‌تواند نشانه‌ای از نزدیک شدن واشنگتن به چشم‌انداز کاهش وابستگی منطقه به مسکو و پکن باشد.

تشکیل کارگروه آسیای مرکزی در سنای آمریکا



سناتور استیو داینز، از تشکیل دوحزبی کارگروه آسیای مرکزی در سنای ایالات متحده خبر داد.

این گروه به تقویت روابط ایالات متحده با آسیای مرکزی، افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری و حمایت از ثبات و امنیت منطقه تمرکز خواهد کرد. به نوشته ویلاگ این سناتور، از جمله انگیزه‌های این اقدام افزایش آسیب‌پذیری آسیای مرکزی در برابر نفوذ روسیه، چین و ایران است.

استیو داینز گفت: اکنون بیش از هر زمان دیگری ضروری است که روابط خود را با متحدان قابل اعتماد در آسیای مرکزی تقویت کنیم. پس از گذراندن زمان طولانی در منطقه برای دیدار با رهبران و با جسور شدن دشمنان ما، سناتور پیترز و من مشتاقانه منتظر همکاری با یکدیگر برای بهبود روابط تجاری، کشاورزی، مبارزه با قاچاق انسان و (بهبود) مهاجرت (با آسیای مرکزی) و افزایش مشارکت در امنیت ملی هستیم.



تزلزل دلار به معنای حذف آن نیست

ایمان زنگنه

ایمان زنگنه در ارتباط زنده تلفنی با برنامه رویداد با اشاره به قواعد تجارت بین‌الملل در حوزه بریکس گفت: امروز بسیاری سازوکارها بر پایه دلار انجام می‌گیرد که به‌عنوان ابزار قدرت مورد بهره‌برداری می‌باشد.

وی افزود: پول واحد اروپا نیز باعث شد از جهان روایی دلار کاسته شود.

زنگنه با اشاره به چندقطبی شدن دنیا اظهار کرد: کشورهای بسیاری آمادگی دارند باتوجه به مؤلفه‌های قدرت، جز رده‌های اول در دنیا محسوب شوند.

این کارشناس حوزه اقتصادی با اشاره به نگاه رقابتی میان چین و آمریکا گفت: هند و برزیل نیز با نگاه رقابت به آمریکا می‌نگرند و تعیین قواعد تجارت توسط دلار را تحمل نخواهند کرد.

وی با بیان این که روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای بانگیزه برای مقابله با دلار محسوب می‌شود، گفت: هند برای مقابله با آمریکا انگیزه سیاسی ندارد؛ ولی انگیزه‌های اقتصادی خواهد داشت.

زنگنه به رادیو گفت‌وگو گفت: هر دو انگیزه سیاسی و تجاری از سوی چین وجود دارد که در پی سازوکاری است تا با شکل‌گیری اجلاس‌های بریکس بسامدی جدید را در دنیا شکل دهد.

وی خاطرنشان کرد: یک ارز نمی‌تواند برای دیگر کشورها قاعده‌ای را تعیین کند و چنین سازوکاری محکوم به شکست است.

زنگنه تصریح کرد: اگر آمریکا در این سال‌ها یک‌جانبه از ابزار دلار استفاده نمی‌کرد، امروز با ظهور کشورهای رقیب مواجه نمی‌شد؛ ولی این کشورها، امروز بسیار مؤثر هستند.

چین و هند بخش عمده تولید جهان را در دست دارند و برزیل و افریقای جنوبی بازاری بسیار بزرگ دارند و وقتی از تزلزل جهان روایی دلار صحبت می‌کنیم، به معنای حذف این پول نیست؛ ولی باید ابزارهای مختلفی به جز این ارز رایج در اختیار داشته باشند.

ارقام نجومی مطرح شده برای «یارانه پنهان انرژی» پشتوانه علمی ندارد



۲ آدرس غلط در محاسبه میزان یارانه پنهان انرژی

در نظر گرفتن این دو فرض موجب می‌شود یک قیمت مرجع متناسب با قیمت‌های جهانی برای هر حامل انرژی استخراج شود و در محاسبه یارانه پنهان انرژی به عنوان مبنا در نظر گرفته شود؛ در حالیکه در حال حاضر نه ایران توان صادرات تمامی نفت، گاز، بنزین و برق تولیدی به خارج از کشور را دارد و نه قیمتی واحد به عنوان قیمت مرجع جهانی برای حامل‌های انرژی قابل تصور است.

در واقع هدف از بیان ارقام نجومی برای یارانه پنهان انرژی، سوق دادن دولت به جبران کسری بودجه از محل افزایش قیمت‌هاست. اما شیوه محاسباتی که به ارقام نجومی منتج می‌شود، اشکالات بنیادینی همچون «فرض گرفتن امکان صادرات تمامی تولیدات داخلی»، «فرض گرفتن یک قیمت جهانی»، «استفاده از نرخ اسمی ارز» و «مبنا قرار دادن هزینه فرصت صادراتی» دارد.

هزینه فرصت صادرات معادل یارانه پرداختی به مردم نیست

در خصوص تعیین قیمت مرجع برای حامل‌های انرژی، برخی با استناد به تحلیل «هزینه فرصت»، قیمت وارداتی آن‌ها را به عنوان معیار مناسب مطرح می‌کنند. اما این معیار نیز با دو اشکال اساسی مواجه است؛ اول اینکه اساساً قیمت واردات یک محصول که در حال حاضر به راحتی در دسترس ایران است، قابل مقایسه با زحماتی که باید برای شکل‌گیری روند صادرات انجام بگیرد نیست. دوم اینکه بسیاری از حامل‌های انرژی مانند گاز و برق، فاقد بازار جهانی ثابت هستند و در مورد آن‌ها اساساً معیاری همچون فوب خلیج فارس وجود ندارد.

در رابطه با هزینه فرصت و طریقه محاسبه آن با توجه به شرایط هر کشور و اقتضات داخلی آن، مدل‌های مختلفی می‌توان ارائه نمود. تعیین قیمت مرجع برای حامل‌های انرژی نباید صرفاً بر اساس معیار هزینه فرصت انجام شود و موارد دیگری همچون سیاست‌های کلان، شرایط اقتصادی کشور و از همه مهم‌تر قدرت خرید مردم نیز باید در این زمینه مورد توجه قرار بگیرد.

«افسانه «یارانه پنهان انرژی» دولتمردان را به خطا نیندازد

اندیشکده اقتصاد مقاومتی نیز در این خصوص در نامه‌ای به ریاست وقت سازمان برنامه و بودجه کشور در آبان ۱۴۰۰، به نقد شیوه محاسبه این سازمان با عنوان «یارانه‌ها در اقتصاد ایران (با تاکید بر یارانه‌های فرابودجه‌ای و پنهان)» پرداخت. در این نامه رقم محاسبه شده یارانه حامل‌های انرژی که با واژه «یارانه پنهان» مطرح شده، از جهت وابستگی به قیمت‌های جهانی و نرخ ارز و همچنین مسیری برای کاهش کسری بودجه مورد نقد قرار گرفته و تاکید شده است که این قبیل ارقام نجومی برای یارانه‌های انرژی می‌تواند منجر به خطا در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور شود.

از مهم‌ترین اقداماتی که در جریان اصلاح ساختار بودجه به عنوان یکی از اقدامات زیرساختی در دستور کار دولت قرار می‌گیرد، مسئله اصلاح یارانه پنهان انرژی است. اما یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید به آن توجه کرد، نحوه محاسبه میزان یارانه پنهان انرژی است. اشتباه در محاسبه میزان یارانه پنهان انرژی، که عمدتاً به رقم‌هایی نجومی منجر می‌شود، تصویری خیالی از یک منبع درآمدی قابل توجه برای دولتمردان ایجاد می‌کند که می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های اصلاح یارانه پنهان آن‌ها را گمراه نماید.

نخستین انتشار رسمی رقم محاسباتی یارانه پنهان در قانون بودجه کشور

بررسی جدول بودجه ۱۴۰۳ نشان می‌دهد سالیانه ۱۱۶ میلیارد یورو از محل عرضه فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی، به عنوان یارانه پنهان محاسبه شده است. طبق این محاسبات در جدول منابع و مصارف محصولات زنجیره تولید نفت و گاز با ملاحظه یارانه پنهان، ۴۴ میلیارد یورو از محل فرآورده‌های نفتی و ۷۱ میلیارد یورو از محل گاز طبیعی، یارانه پنهان محاسبه و در پیوست بودجه ۱۴۰۳ گنجانده شده است که در مورد نحوه محاسبه آن توضیحی داده نشده است.

درآمد حاصل از «صادرات فرضی» نباید مبنای محاسبه یارانه انرژی باشد

در بعضی گزارش‌های رسمی و غیررسمی، اختلاف «قیمت جهانی انرژی» با «قیمت داخلی عرضه آن به مصرف‌کننده نهایی»، که در واقع همان «هزینه فرصت صادرات فرضی حامل‌های انرژی» است، تحت عنوان یارانه انرژی مطرح می‌شود. رقمی که از این روش محاسبه شود صرفاً با افزایش قیمت جهانی نفت چند برابر می‌شود، حتی در صورتی که میزان مصرف مردم کاهش یابد. چنین مفهومی به هیچ عنوان نمی‌تواند به عنوان یارانه به مردم محسوب شود؛ چرا که یارانه ماهیت حمایتی دارد و به مواردی اطلاق می‌شود که بخشی از هزینه‌های مردم را پوشش داده باشد و هدف آن بهبود عدالت و حمایت از اقشار کم درآمد است.

این درحالی است که چنین رقمی به دلیل محدودیت‌های صادراتی امکان تحقق ندارد و نمی‌تواند مبنای برنامه‌ریزی دولت قرار بگیرد. ضمن اینکه این رویکرد محاسباتی کاملاً متأثر از نرخ ارز اسمی و نوسانات آن است. در روش مرسوم محاسبه یارانه پنهان، دو فرض اساسی نهفته است که با واقعیت سازگار نیست.

اول آنکه فرض می‌شود کل انرژی مصرفی در داخل کشور می‌تواند در خارج کشور به فروش برسد و دوم آنکه فرض می‌شود برای حامل‌های انرژی قیمت‌هایی جهانی وجود دارد که همه کشورها از آن پیروی می‌کنند؛ که هر دو فرض فاصله معنی داری با واقعیت عرصه بین‌الملل دارد.

خیز تجارت ۱۰۰ میلیارد دلاری روسیه و هند به کمک نظام پرداخت ملی

ماکسیم اورشکین، مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین، گفت: روسیه و هند هدف خود را برای رسیدن به ۱۰۰ میلیارد دلار تجارت دوجانبه تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده‌اند.

طرح مشترک همکاری روسیه و هند پوتین روز سه‌شنبه با نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، برای گفت‌وگوهای دوجانبه دیدار کرد و در جریان این دیدار، دو طرف درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله تقویت همکاری‌ها و همچنین حل مسالمت‌آمیز بحران اوکراین مذاکره کردند.

اُرشکین گفت: «اعداد و ارقام نشان می‌دهند که توسعه تجارت در اینجا به صورت بسیار فعالانه در حال انجام است. پوتین و مودی در مورد یک طرح مشترک همکاری استراتژیک تا سال ۲۰۳۰ توافق کردند.»

اُرشکین همچنین گفت که روسای دو کشور در مورد استفاده از سیستم‌های پرداخت هندی و روسی گفتگو کرده‌اند و افزود: «زیرساخت‌های لازم برای تضمین تعامل تجاری و سرمایه‌گذاری یکی از مسائل مهم برای دو کشور است.»

افزایش صادرات هند به روسیه

سفیر هند پیش‌تر در مسکو گفته بود که تجارت دوجانبه بین دو کشور در دو سال گذشته تقریباً سه برابر شده است و هند صادرات انرژی، کود و زغال سنگ به روسیه را افزایش داده است و افزود که این کشور جنوب آسیایی در حال برنامه‌ریزی برای افزایش صادرات به روسیه است.

ماه گذشته، خبرگزاری ریانووستی با استفاده از داده‌های گمرکی گزارش داد که حجم تجارت دوجانبه بین روسیه و هند همچنان در حال رشد بوده و در چهار ماه اول سال جاری به رقم رکوردی ۲۳.۱ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۳، ۱۰ درصد افزایش داشته است.

در سال‌های اخیر، هند به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری روسیه تبدیل شده است، زیرا مسکو پس از تحریم‌های غرب به دلیل درگیری اوکراین، به سمت اقتصادهای دوست آسیایی روی آورد.

آمریکا بازنده جنگ تجاری با چین است

عطا بهرامی



برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص نبرد تجاری چین با آمریکا با تشدید احتمال حضور ترامپ در کاخ سفید با عطا بهرامی کارشناس مسائل بین‌الملل به‌صورت تلفنی گفتگو کرد.

عطا بهرامی با بیان اینکه چینی‌ها دچار این سوءتفاهم نیستند که آمدن چه فردی در کاخ سفید بر روابط آنها با آمریکا تأثیر بگذارد، گفت: جنگ تجاری آمریکا با چین توسط ترامپ شروع شد؛ اما بایدن کامل ادامه داد و هیچ عقب‌نشینی نداشت.

وی با اشاره به این موضوع که چینی‌ها در حفظ وضعیت موجود برنده هستند، اظهار کرد: آنها نیازی به راه‌انداختن جنگ تجاری ندارند و به همین شکل سه هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار صادرات داشته و کاملاً مزیت‌های قیمتی دارند؛ زیرا اساساً یک کارگاه تولید جهانی محسوب می‌شوند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه چینی‌ها برنده بازی تجاری در دنیا هستند و آمریکا بازی را بر هم زده‌اند و جنگ تجاری راه‌انداخته‌اند، عنوان کرد: آمریکایی‌ها با تعرفه دولتی و ورود به حوزه ریزترایشه‌ها سعی دارند علیه چینی‌ها اقدام می‌کنند که البته موفق نشده‌اند.

وی از کاهش سهم آمریکا در بازار دنیا گفت و بیان کرد: قدرت دلار نسبت به گذشته کاهش یافته است و کشورها از تجارت، دلارزدایی می‌کنند. آمریکا در چنین شرایطی می‌داند که نمی‌تواند هژمون باقی بماند و بازی را به چین می‌بازد.

بهرامی با اشاره به شیوه آمریکا برای باقی‌ماندن در قدرت اول تولیدکنندگان گفت: ایالات متحده تاکنون برای اینکه در این جایگاه باقی بماند پول چاپ می‌کرد و واردات را انجام می‌داد؛ اما حالا چینی‌ها تولیدکننده شماره یک جهان هستند؛ بنابراین اینکه چه کسی وارد کاخ سفید می‌شود اثری ندارد و این جنگ تجاری و اقتصادی با افزایش میانگین تعرفه‌های دولتی ادامه خواهد داشت.

وی دنیای آینده را دنیای حمایت‌گرایی و جنگ تجاری دانست و اظهار کرد: رفتار چین در بر اساس منافع خود است و به این موضوع نگاه نمی‌کند که چه کسی در رأس کاخ سفید قرار دارد و این اتفاق را در سال‌های اخیر به‌وضوح قابل‌مشاهده بوده است. در سیاست، رئالیسم حرف اول و آخر را می‌زند و اشخاص اثر بسیار ناچیز و خیلی محدودی دارند و این موضوع در مورد آمریکا هم صدق می‌کند؛ بخصوص آنکه ایالات متحده به‌خوبی می‌داند نمی‌تواند به این روندها ادامه بدهند.

ساختار تحریم‌ها ماندگار است

سیدحسین محفوظی

توجه به این واقعیت ضروری است که تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران ناشی از بهانه‌هایی از جمله برنامه هسته‌ای یا موشکی و حتی حقوق بشر نیست، بلکه موقعیت استراتژیک کشور و نقش موثر آن در رخدادهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای، دشمنان را به این نتیجه رسانده که تنها راه مقابله با ایران، استفاده از تحریم‌های همه‌جانبه است.

از همین‌رو بررسی اقتصادی و حقوقی ساختار تحریم‌ها علیه ایران، این موضوع را آشکار می‌کند که ساختار تحریم‌ها علیه کشور دائمی بوده و در هیچ دوره‌ای، حتی بازه‌ای که از آن به عنوان بازه کاهش فشار تحریم‌ها یاد می‌شود، ساختار تحریم‌های همه‌جانبه علیه کشور تغییر مثبتی به خود ندیده است، بلکه در هر مرحله ساختار و ابزارهای تحریم و تهدید علیه کشور و طرف‌های تجاری آن بیشتر و پیشرفته‌تر شده است.

از سوی دیگر تجربه ثابت کرده همواره هدف آمریکا از اعطای معافیت/تعطیل تحریمی تنها کسب منفعت اقتصادی و سیاسی برای خود بوده است؛ به‌طوری‌که عملاً می‌توان گفت تحریم و معافیت‌های تحریمی عملاً دوری یک سکه هستند.

از همین‌رو بدیهی است که دستگاه‌های اقتصادی و سیاست خارجی کشور باید ابزار تحریم و معافیت‌های تحریمی را در یک راستا ببینند و سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور با فرض دائمی بودن تحریم‌ها با رویکرد خنثی‌سازی و بی‌اثر کردن تحریم (نه صرفاً دورزدن آن) صورت پذیرد.



نگاهی به «پری خانه ما» و روایت جنگ‌های تمام‌نشده مادران شهدا

نامیه اصفهانیان

کتاب «پری خانه ما» نوشته بهناز ضرابی زاده که به تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و روانه بازار نشر شده، شامل خاطرات ۹ خانواده شهید استان همدان است که بیش از دو شهید تقدیم انقلاب کرده‌اند.

ضرابی‌زاده در این کتاب سراغ مادر، همسر، خواهر و برادر شهدا رفته تا قصه زندگی و رشادت آنها را به رشته تحریر درآورد. این کتاب خاطرات مادر شهدایی است که چند فرزندشان به شهادت رسیده است و در آن تلاش شده همه اعضای خانواده از شهدا روایت کنند و به نوعی تکمیل‌کننده خاطرات یکدیگر باشند.

کتاب «پری خانه ما» نوشته بهناز ضرابی‌زاده، روایت جنگ‌های تمام‌نشده در سینه مادران است. زنانی که با خون و دل به پرورش و نگهداری فرزندان خود پرداختند و زمانی که کشورشان به آنها نیاز داشت، جگرگوشه‌شان را برای حفاظت و پاسداری این مرزوبوم روانه جنگ کردند. مادرانی که نه تنها یک فرزند، بلکه سه یا چهار فرزند خود را در راه جهاد تقدیم نمودند.

رنج زیستن در چشم‌انتظاری و نگرانی‌های مداوم، روزگار آدمی را پر از روایت‌های تلخ و شیرین می‌کند. بسیار مادرانی بوده‌اند و هستند که تا سالیان دراز برای در آغوش گرفتن فرزند شهیدشان، ولو این که یک تکه استخوان باشد، در حجم چشم به راه بودن، پاییز و بهار عمرشان را فراموش کردند و در نهایت با طعم حسرت و اشتیاق به دیار باقی شتافتند.

بهناز ضرابی‌زاده این بار به سراغ اهالی شهر خود، یعنی همدان رفته است. او خانواده‌هایی که دارای چند شهید هستند را سوژه خود قرار داده و خاطرات آنها را به زبانی ساده و صمیمی نقل کرده است. با توجه به مقدمه‌ای که نویسنده در ابتدای کتاب آورده، هدفش نوشتن خاطرات مادران شهید بوده است. منتها به دلیل فوت تعدادی از این عزیزان، نتوانسته به این امر دست پیدا کند. به همین جهت پای خاطرات دیگر افراد خانواده مانند برادر، همسر و خواهر نشسته است. که همین موضوع باعث چند صدایی شدن این روایت‌ها شده و مخاطب از چند زاویه به دیدن زندگی این شهدا می‌نشیند.

خانواده شهید بهادر بیگی، بیات، تیموری، چنگیزی، حاجی بابایی، سرابی، عزیزی، مرادی و مؤمنی راویان کتاب «پری خانه ما» هستند. مادران و همسران و برادرانی که قصه قد کشیدن و عازم شدن و به شهادت رسیدن عزیزانشان را با صبر و حوصله برای مخاطب بازگو می‌کنند تا شنونده ساعاتی در حجم نگرانی و استرس و بزرگی قلب بازمانده‌ها نفس بگیرد و زندگی کند. رفتن و از دست دادن سخت است. اینکه با آگاهی عزیزت را رهسپار راهی کنی که بازگشتی ندارد، قطعاً سخت‌تر است. کتاب حاضر تکه‌ای از این سختی‌ها را به تصویر کشیده است. مادرانی که سال‌ها برای رسیدن فرزندان، پشت در خوابیده‌اند. زنانی که با شنیدن صدای پای به امید دیدن همسر یا برادرشان بال اشتیاق گشوده‌اند و به سمت در دویده‌اند. فرزندان که از پدر فقط سایه‌ای مبهم یا عکسی قاب گرفته نصب‌شان شده است. انسان‌هایی که سال‌ها برای فرزندان ایفاگر نقش پدر و مادر بوده‌اند و اجازه نداده‌اند کسی متوجه حجم دل‌تنگی و خستگی‌شان شود.

«پری خانه ما» مخاطب را به سال‌های جنگ می‌برد. روزگاری که حمله‌ها با چراغ‌های رنگی قاب جوانان این سرزمین را در آغوش می‌گرفتند و پای صحبت مادرانی می‌نشانند که هیچ‌گاه از شهادت فرزندان‌شان شکایتی نداشتند، اما نتوانستند منتظر نمانند را به چشمان غم آلودشان بیاموزند و تا ابد نگاه‌شان برای دیدن سفر رفته‌شان خیس است.

سریال عاشورا روایتگر داستان انسان‌های لشکر ۳۱ عاشورا در طول جنگ تحمیلی است؛ داستانی که به طرزی غریب با نام این یگان پیوند خورده و در حماسه و اندوهش یادآور داستان عاشورا است. در ادامه ریویوی نقد و بررسی این سریال را به قلم خانم نایمه اصفهانیان در صفحه‌ی چهل و هفتم از «پرونده روزی روزگاری تلویزیون» خواهید خواند:

«عاشورا: ل ۳۱» نام سریال کوتاهی در ژانر دفاع مقدس است که در تابستان ۱۴۰۲ و در دوره‌ی ریاست پیمان جبلی بر سازمان صداوسیما برای اولین بار از شبکه‌ی یک سیما پخش شد. سریال را هادی حجازی‌فر کارگردانی کرده و فیلم‌نامه‌اش را خود او با همراهی ابراهیم امینی نوشته است. ابوالفضل صفری، حبیب‌والی‌نژاد و سجاد نصراللهی‌نسب تهیه‌کنندگان سریال‌اند و هادی حجازی‌فر، ژیل‌شاهی، وحید حجازی‌فر، معصومه ربانی‌نیا، وحید آقاپور و روح‌الله زمانی در آن نقش‌آفرینی کرده‌اند. سریال به نام لشکری است که در سال‌های دفاع مقدس در عملیات‌های مختلفی حضور داشته و از استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، زنجان و اردبیل نیرو می‌گرفته است. در مقطعی که سریال به آن پرداخته، فرماندهی این لشکر شهید مهدی باکری بوده و در دو عملیات بزرگ خیبر و بدر حضور داشته است. سریال شامل هفت قسمت حدوداً پنجاه دقیقه‌ای است که هر قسمت به یک یا چند نفر از افراد شاخص یا رزمندگان گمنام این لشکر می‌پردازد.

فیلم «موقعیت مهدی» نسخه‌ی سینمایی سریال است که پیش از سریال و در سال ۱۴۰۰ تولید شد. این فیلم در جشنواره‌ی فجر همان سال برنده‌ی پنج جایزه شد؛ از جمله سیمیرغ بلورین بهترین فیلم و در زمان اکران در سینماها هم، پر فروش‌ترین فیلم دفاع مقدس بود. موسیقی فیلم نیز سیمیرغ جشنواره را گرفت و در نسخه‌ی سریالی هم از نقاط قوت مجموعه به حساب می‌آید. موسیقی فیلم و سریال ساخته‌ی مسعود سخاوت‌دوست است که هم در تیتراژ آغازین و پایانی و هم در متن، متناسب با فضای سریال، حال‌وهوای آذری دارد. در واقع موسیقی این سریال موسیقی فولکلور آذری ارکسترال است که تلفیق موسیقی غربی با موسیقی نواحی است و در ساخت آن از سازهای همان منطقه استفاده شده است. خواننده‌ی ترانه‌ی تیتراژ مجید عصری است و شعر تیتراژ پایانی از نادر الهی، شاعر پرواوزه‌ی آذربایجان و تداعی‌کننده‌ی زندگی و رشادت‌های شهید مهدی باکری است که با این جمله از وصیت‌نامه‌ی شهید تزئین شده: «خدایا مرا پاکیزه بپذیر.»

از میز شهرداری تا خاکریز جبهه

سریال از جایی شروع می‌شود که مهدی باکری شهردار ارومیه است ولی تصمیم می‌گیرد استعفا دهد و به سپاه بپیوندد تا به جبهه برود. او قبل از رفتن، به خواستگاری دختری به نام صفیه می‌رود و روز بعد از عقد راهی جنوب می‌شود. مهدی بعد از مدتی فرماندهی لشکر ۳۱ عاشورا می‌شود و از برادرش حمید که قبلاً آموزش‌های جنگی و چریکی دیده، می‌خواهد که در عملیات خیر همراهی‌اش کند. در این عملیات سنگین حمید و تعداد زیادی از رزمندگان شهید می‌شوند. بعد از آن عملیات بدر آغاز می‌شود که آن هم عملیاتی دشوار و پرتلفات است. مهدی باکری هم در این عملیات به شهادت می‌رسد.

سریال در مقایسه با فیلم کامل‌تر است و به جزئیات بیشتری از زندگی شهیدان مهدی و حمید باکری و لشکر ۳۱ عاشورا پرداخته است. مثلاً در ابتدای داستان، مهدی باکری را در جایگاه شهردار نشان می‌دهد که چه خالصانه به مردم خدمت می‌کند و مردم بی‌پناه و مصیبت‌زده که احتمالاً آخرین تصویرشان از

مدیر مربوط به دوره‌ی پهلوی است، چقدر متعجب‌اند از اینکه شهردارشان این قدر معمولی، همدل و در دسترس است. سریال با پرداخت جزئی‌نگرانه به لحظات معمولاً نادیدنی زندگی رزمندگان در خانه و محل کار و جبهه، روایت متفاوتی از شخصیت و منش آن‌ها و مجاهدت‌ها و حماسه‌آفرینی‌های‌شان، و تصویر روشنی از زندگی در میانه‌ی جنگ در دهه‌ی شصت ارائه می‌دهد و با وجود اینکه داستان پرکششی تعریف نمی‌کند و فراز و فرود دراماتیکی ندارد، خسته‌کننده نیست و مخاطب را به‌راحتی با خود همراه می‌کند. به همین دلیل یکی از بهترین سریال‌های تلویزیون در سال‌های اخیر است.

فرمانده و لشکر یانش

گفته می‌شود حال‌وهوای سریال «عاشورا» به فیلم «ایستاده در غبار» شباهت دارد؛ از این جهت که در این سریال هم فضایی مستندگونه دیده می‌شود و فیلم‌هایی آرشویی از جبهه بازسازی شده و لابه‌لای ساکنان‌های اصلی قرار گرفته‌اند. گویی دوربین فیلم‌بردار در خانه و شهر و جبهه حرکت کرده و بدون اینکه بخواهد مسائل روز را در دهان شخصیت‌ها بگذارد و با شعارهای گل‌درشت، بین فضای جبهه و امروز ارتباط برقرار کند، اجازه داده تصاویر سخن بگویند.

اما یکی از ویژگی‌هایی که سریال را از نمونه‌های مشابه پیش از خود متمایز می‌کند این است که تنها روی شهید باکری متمرکز نیست و به رزمندگان دیگر لشکر که شاید هیچ کس نام‌شان را نشنیده باشد هم پرداخته است. مثلاً در چند قسمت راوی سایر رزمنده‌هایی است که عموماً جوان و کم‌سپن‌وسال‌اند و جنگ برای‌شان تجربه‌ای تکان‌دهنده است؛ مثل جوانی که نمی‌تواند مهمات را به دیگران برساند چون باید از کانالی رد شود که با جنازه‌های رفقایش پوشیده شده و او که دلش نمی‌آید پا روی آن‌ها بگذارد، وقتی مجبور می‌شود از کانال عبور کند پوتین‌هایش را درمی‌آورد؛ یا جوان دیگری که رفیق شهیدش را روی دوشش می‌گذارد تا از معرکه خارجش کند و وقتی به او یادآوری می‌کنند فرمانده اجازه نداد جنازه‌ی برادرش را پیش از دیگران از جبهه بیرون ببرند، می‌گوید: «من مهدی باکری نیستم.» یا حمید باکری را علاوه‌بر جانشین فرمانده و سر باز انقلاب، در نقش همسر و پدری روایت می‌کند که دلش پیش همسرش فاطمه است که دست‌تنها باید بچه‌های مریض‌شان را دکتر ببرد. حمید می‌خواهد جنگ که تمام شد برگردد و در کارهای خانه به فاطمه کمک کند. می‌خواهد بعد از جنگ با خانواده‌اش دنیا را برگردد. فاطمه پلپور آبی قشنگی برای حمید بافته و حمید از لحظه‌ای که می‌پوشدش آن را از تن درمی‌آورد تا لحظه‌ای که به شهادت می‌رسد و پیکرش با همان پلپور آبی قشنگ زیر آب می‌رود.

دل سپردن به سودای عشق

«عاشورا» روایتی عاشقانه از دفاع مقدس است که با عشق میان مهدی و صفیه آغاز می‌شود؛ آنجا که صفیه در خاموشی ایام جنگ، مهدی را با چراغ گردسوز بدرقه می‌کند و مهدی در اولین خداحافظی‌اش پیش از رفتن، وقتی که هنوز آن‌قدر راحت نیست که به چشم‌های او نگاه کند به او می‌گوید: «کلا تمرین کنی‌د نگران نباشید.» صفیه که قبل از بله گفتن به مهدی، در پاسخ به نگرانی برادرش گفته بود اقامه‌ی همان مردی است که همیشه می‌خواست به او از زندگی کند، زندگی با مهدی را در این خداحافظی‌های مکرر، در نگرانی‌های مداومی که با تکرار و تمرین هم از بین نمی‌روند و در آن لباس‌های همیشه خیسی که هیچ وقت تا موقع حرکت مهدی خشک نمی‌شوند پیدا می‌کند. صفیه عاشق مهدی است. او آن‌قدر می‌خواهد لحظه‌لحظه‌ی حضور مهدی را درک کند که فرصت شستن موهایش را با

نقد و بررسی سریال «عاشورا: ل ۳۱» ساخته «هادی حجازی‌فر» عاشورا لحظه‌های تکان‌دهنده جنگ

دستان خودش، فرصت تماشايش را وقتی نشسته خوابش برده، فرصت همراهی او از در خانه تا اتاق را هم از دست نمی‌دهد. مهدی هم عاشق صفیه است. روزی که می‌بیند صفیه از دل‌تنگی بی‌تاب شده برایش تعریف می‌کند که از وقتی جنازه‌ی حمید و باقی نیروهایش در جزیره‌ی مجنون زیر آب رفتند، هر غروب به سمت جایی که جنازه‌ها هنوز زیر آب‌اند می‌ایستد و نمی‌تواند از جایش تکان بخورد. تنها چیزی که باعث می‌شود سرش را بچرخاند و برگردد سر کار و نیروهایش را دوباره سازماندهی کند فکر کردن به صفیه است.

از خانه تا میدان یقین‌های به‌خاک‌افتاده

هر بار که مهدی عازم جبهه می‌شود چشم‌های نگران و عاشق صفیه او را دنبال می‌کنند و بعد، نگاه او در ما امتداد پیدا می‌کند. ما به‌جای او مهدی و باقی رزمندگانی را تماشا می‌کنیم که عزیزان‌شان در خانه چشم‌به‌راه‌شان هستند. رزمندگانی که زندگی را دوست دارند و برای بعد از جنگ برنامه‌ها دارند اما عشقی بزرگ‌تر، آن‌ها را از میانه‌ی زندگی بیرون کشیده و به میدان سرخ شهادت رسانده است. نوای این عشق در نوحه‌خوانی‌های عاشورایی خلال عملیات‌ها شنیده می‌شود. «عاشورا» روایت متفاوتی از این مبارزان است؛ روایتی که حماسه‌سرایانه نیست، جنگ را فقط باشکوه و پر شور تصویر نمی‌کند و همه‌ی رزمندگان را عاشق شهادت نشان نمی‌دهد. «عاشورا» داستان جوانانی را تعریف می‌کند که از کشته شدن می‌ترسند ولی در میان آن همه «یقین به‌خاک‌افتاده» ترس و شکی برای‌شان باقی نمی‌ماند. استیصال فرماندهانی را نشان می‌دهد که نیرو و مهمات کافی در اختیار ندارند و مقابل سربازان‌شان شرمسارند ولی مردانه و تا آخرین قطره‌ی خون ایستادگی می‌کنند. «عاشورا» ناکامی‌ها را هم روایت می‌کند و از دل روایت ناکامی‌هاست که بزرگی حماسه‌ای که با دست‌های خالی و با معجزه‌ی عشق آفریده شد نمایان می‌شود. حماسه‌ای که به‌شکل غریبی یادآور عاشورا است.

سوختن در جذبه‌ی عشق

وقتی حمید به شهادت رسید شاید مهدی بیشتر از هر کسی می‌خواست پیکر برادرش را بعد از شهادت در آغوش بگیرد و او را به خانه برگرداند ولی، جایی که پیکر دیگر نیروهایش تک‌وتنها بر خاک افتاده‌اند و هیچ یک امکان برگشتن به خانه را ندارند، اجازه نمی‌دهد برادرش را از جبهه خارج کنند. مهدی نگاه سنگین خانواده‌اش را که از این تصمیم او دلخور شده‌اند تحمل می‌کند چون عاشق آرمانش و دل‌بسته‌ی رزمنده‌هایی است که در راه این آرمان از همه چیز دست کشیده‌اند. در نهایت نیز در عملیات بدر، وقتی پیکرهای زخمی نیروهایش روی خاک افتاده‌اند و دشمن به آن‌ها تیر خلاص می‌زند، او که همچنان حاضر نیست رهای‌شان کند و جان خودش را از معرکه به در ببرد، با شلیک مستقیم دشمن به شهادت می‌رسد. او حین مبارزه کنار هم‌رزمانش انگار در بهشت است و همراه آن‌ها به بهشت می‌رود.

پیکر مهدی در آب‌های ارون‌درد آرام می‌گیرد و صفیه در خانه، او را که از خستگی از هوش رفته تماشا می‌کند و انگار برایش لالایی می‌خواند: «مهدی! این تنهایی کی تموم می‌شه؟ خستگی، قرمزی چشمات، کی از بین می‌ره قربونت برم؟ کی اون‌قدر توی خونه می‌مونی که نخوام با لباس‌های خیس بدرقه‌ات کنم؟»

«عاشورا» روایت عاشقانه‌ی است که در شورانگیزترین صحنه‌ی تاریخ ایران، در جذبه‌ی بزرگ‌ترین عشق سوختند و جاودانه شدند.





دست تقدیر الهی

سید محمد مهدی میرباقری

حوادث زندگی فردی و اجتماعی ما اتفاقی و مبتنی بر تصادف نیست، بلکه مقدراتی است که با دست تقدیر الهی رقم خورده است.

قرار گرفتن مسئولیت «خدمت به آستان اهل بیت (ع) و سربرای امام زمان (عج)» بر دوش اشخاص، با دست تقدیر خداوند متعال در قرآن کریم وقتی ماجرای یوسف صدیق را بیان می‌کند می‌فرماید که برادران یوسف، او را در چاه انداختند و ماجراهایی پیش آمد تا آنجا که به خانه یکی از بزرگان مصر راه پیدا کرد. این بزرگ مصر، وقتی یوسف را از بازار خرید، عظمت و بزرگی را در چهره او دید و به همسرش که فرزندی نداشت گفت: "وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَوْءَاةَ عَيْسَىٰ اِنَّ يَنْفَعُنَا اَوْ تَضَحَّضُهُ وَكَذَا"

گفت: برده‌وار با او برخورد نکن، او شخصیت بزرگی است و روزی به کارمان می‌آید. و اصولاً او را به عنوان فرزند خودش انتخاب کرد و از آن جا بود که حضرت یوسف به عنوان فرزندخوانده یکی از بزرگان مصر شد، در حالی که در چند روز قبل، او یک کودک افتاده در چاه، در یک بیابان بود.

اگر یک قصه‌نویس بخواهد این داستان را روایت کند، همه ماجرا را بر اساس تصادفات تحلیل می‌کند: تصادفاً برادران یوسف، او را در چاه انداختند، تصادفاً کاروان تشنه‌ای که مسیرش هیچ‌گاه از این‌جا عبور می‌کرد، گذرش به این جا افتاد، تصادفاً در اینجا تشنه شدند، تصادفاً رفتند آب بیابان و آب نبود و به‌خاطر تشنگی، مجبور شدند که از آب تلخ چاهی که حضرت یوسف در آن بود استفاده کنند، تصادفاً از این چاه آب برداشتند و تصادفاً یوسف صدیق بالا آمد، تصادفاً ماجرا چنین پیش رفت که او را ببرند و بفروشند.

تصادفاً در مصر فروختند، تصادفاً یکی از بزرگان مصر، مشتری یوسف شد، تصادفاً عظمت را از چهره او فهمید و دانست که آینده روشنی دارد، تصادفاً خدا به آن‌ها پیچه نداده بود، و تصادفاً حضرت یوسف را به عنوان فرزندخوانده انتخاب کردند... و تصادفات دیگر...

ما مقدرات الهی را این‌گونه تحلیل می‌کنیم! ولی خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَانًا لِيُؤَسِّفَ فِي الْأَرْضِ»، ما به یوسف مکتب دادیم. و تازه، این اول تقدیری است که ما با این بنده خوب انجام دادیم، «وَلْيَعْلَمَهُ مَنْ تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ».

این درس بزرگی است: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ». خداوند بر کار خود غالب است و هر کاری را که بخواهد، انجام می‌دهد. خداوند یک گله‌ای هم از ما می‌کند «وَلِكَيْ أَكْثَرَ التَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، اگر مردم این را می‌دانستند، به در هیچ خانه دیگری نمی‌رفتند.

این نکته را عرض کردم که ما تلقی نکنیم که تصادف شده و تصادفات دست به دست هم داده و ما آمده‌ایم و اینجا نشست‌ایم، خیر! بلکه تقدیری پشت‌سر این امر هست. یک دستی ما را به اینجا آورده است و فقط یک طرف ماجرا ما هستیم، طرف اصلی ماجرا خداوند متعال و ولی او وجود مقدس امام زمان (ارواحنا فداه) است.

بنابراین، فرصت‌ها را باید یک نعمت الهی تلقی کرد. نعمت‌های الهی وقتی به سراغ انسان می‌آید، با «شکر» و «کفر» انسان است که این نعمت، یا افزون می‌شود یا از دست می‌رود. (کتاب تربیت ولایی، ص ۵۳)



می‌شوند؛ اما به این مهم نیز علم داشت که نجات شریعت محمدی، جز با شهادت خویش محقق نمی‌شود؛ اما همین امام حسین (ع) و یارانش که می‌دانستند مسیر، مسیر شهادت است، آیا بدون تغفل و فکر گام در این مسیر برداشتند؟ خیر. حضرت دقیق‌ترین نکته‌های علمی، گفتن‌سازی و نظامی را به کار بردند و برخلاف انتقادات و هشدارها، اهل بیت خود را با خویش همراه ساختند؛ حتی ایشان خانواده را از مسیرهای اصلی بردند تا با این اقدام فرهنگ‌سازی، گفتن‌سازی و پیام‌رسانی داشته باشند. بعد از شهادت ایشان و یارانش همان منتقدان و هشداردهندگان فهمیدند که اگر امام حسین (ع) اهل بیت خویش را همراه خود نمی‌بردند، حادثه کربلا در کربلا دفن می‌شد. امام حسین (ع) با این اقدام دانش گفتن‌سازی و نظامی را به نمایش گذاشتند.

همچنین در روز تاسوعای حسینی عمرسعد از ابن زیاد نامه دریافت می‌کند که در آن دستور داده شده بود، همان روز حمله آغاز شود. امام حسین (ع) نیز به‌وسيله حضرت عباس (ع) از دشمن یک شب مهلت خواست تا آن شب را خود و یارانش به عبادت بپردازند. همه می‌دانیم که حضرت آن شب به عبادت پرداختند و با اصحاب صحبت داشتند؛ اما یک کار نظامی دیگری نیز انجام دادند ابتدا دستور داد، خیمه‌ها را به هم نزدیک و به یکدیگر متصل کنند که اگر دشمنان یکی از خیمه‌ها را آتش زدند، اهل بیت بتوانند، از سوی دیگر فرار کنند. از طرف دیگر حضرت در پشت خیمه‌ها خندق حفر و درون آن را پر از هیزم کرد. برای همین وقتی شمر در روز عاشورا از پشت خیمه‌ها حمله کرد و با خندق پر از آتش مواجه شد، نتوانست پیش برود و بازگشت.

نبرد روز عاشورا چندین ساعت طول کشید؛ درحالی که تعداد اصحاب امام حسین (ع) به‌قدری کم بود که دشمنان می‌توانستند، جنگ و ماجرای کربلا را در یک ساعت به اتمام برسانند؛ اما امام حسین (ع) با دانش نظامی که داشتند، باعث شد که این مبارزه زمان‌بر باشد و سختانی را نیز ایراد فرمودند. بنابراین همه مسائل نظامی، اجتماعی، امنیتی و... نیازمند دانش است.

امام حسین (ع) می‌فرمایند: علم سرالله نزد ما اهل بیت است. ما محرم سر الهی هستیم. مهم‌ترین رکن اهل بیت (ع)، دانش و علم آنان است؛ از این‌رو حضرت می‌فرمایند: قبل از اینکه حضرت آدم خلق شود، نور ما اهل بیت در عرش الهی وجود داشت و به ملائکه تسبیح می‌آموختیم.

جایگاه دانش و دانش‌ورزی در مکتب حسینی
دانش و دانش‌ورزی در مکتب حسینی، جایگاه ویژه‌ای دارد. ما نمی‌توانیم بگوییم پیرو مکتب امام حسین (ع) هستیم؛ اما دانش نظامی، حکمرانی، امنیتی، بهداشتی و... را نمی‌دانیم. داشتن دانش به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه در کنار دانش باید بینش و باور حسینی نیز باشد. دانش پیوند ذهنی و معرفتی بوده و بینش یک پیوند قلبی است که نشان از باور انسان دارد.

علم مهم است. در یک روایتی امام حسین (ع) می‌فرماید: عقل خود را با تبعیت از حق کامل کنید؛ عقل و علم مهم است؛ اما باید این علم با باور و یقین تقویت شود. مکتب حسینی نیازمند دانش، نگرش و بینش است. نگرش همان نیت است. برخی افراد باور و دانش خوبی دارند؛ اما نمی‌توانند لحظه به لحظه نیت خود را توحیدی کنند. همه کارهای انسان باید برای خدا باشد. این نگرش توحیدی است. انسانی که در همه عرصه‌ها نگرش توحیدی ندارد، ایمانش کامل نیست. اینکه امام می‌فرماید: خدا خرمشهر را آزاد کرد، می‌داند که همه امور در دست خداست. اگر نگاه توحیدی باشد، جامعه می‌داند که امور دست خداست و در اوج تحریم می‌تواند، مقتدرانه عمل کند.

مراد از منش حسینی دوری از رذائل و کسب فضائل اخلاقی است. گفته می‌شود، منش یک امر درونی بوده و شاکله انسان را تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو رذائل و فضائل امری درونی است؛ برای مثال ابلیس تکبر ورزید و برای همین از محضر خداوند رانده شد؛ اما این تکبر یک‌شبه ظهور نکرد؛ بلکه در درون او یک حسادت و تکبری وجود داشت که هنگام خلق انسان، آن تکبر ظاهر شد. در دنیای امروز شاهد جنگ اخلاق و بی‌اخلاقی هستیم. امروز در فضای مجازی فیلم‌هایی ساخته و منتشر می‌شود که بیشتر مروج بدزبانی، بدخلقی، بی‌وجدانی، بی‌حرمی به والدین و... است. حسن خلق حقیقت دین است و انسان باید به کسب فضائل اخلاقی همت داشته باشد. امام حسین (ع) خوش‌خلق، مهربان، متواضع، شجاع بخشنده و... بود؛ صفاتی که دوست و دشمن آن را نقل می‌کردند.

در جنگ اخلاق و بی‌اخلاقی دنیای امروز چگونه می‌توان حسینی زیست؟

عبدالحسین خسروپناه

حسینی زیستن بصیرت، درک و شعور را به ارمغان می‌آورد در غیر این‌صورت صرف حوزوی و ملیس بودن، نمی‌تواند باعث شود که انسان بصیر باشد. برای مثال امت اسلام پیامبر اکرم (ص) را در کربلا کشته بودند؛ اما امام حسین (ع) را تنها گذاشتند؟ چون بصیرت نداشتند. نعمان بن بشیر از صحابه پیامبر (ص) بود؛ اما او بعد از پیامبر ولی کوفه سپس نماینده معاویه و یزید شد. آیا نمی‌دانست، امام حسین (ع) کیست؟ اتفاقاً او می‌دانست؛ اما چون بصیرت نداشت، دست به چنین اقدامی زد. بنابراین تنفس در مکتب امام حسین (ع) بصیرت می‌آورد. اگر امروز در عرصه‌های مختلف شاهد پیروزی‌های متعدد هستیم، به این علت است که در مکتب امام حسین (ع) تنفس می‌کنیم و امامین انقلاب از شاگردان مکتب آن امام همام (ع) هستند و تدبیر دارند؛ از این‌رو شناخت مکتب حسینی لازم و ضروری است.

ارکان مکتب امام حسین (ع)

مکتب امام حسین (ع) دارای پنج رکن مهم از جمله دانش، بینش، نگرش، منش و کنش حسینی است؛ بر همین اساس اگر کسی تنها یکی از این رکن‌ها را داشته باشد، مکتب حسینی او ناقص خواهد بود؛ به‌طور مثال حاج قاسم سلیمانی دقیقاً در این پنج رکن حسینی بود. دانش حسینی غیر از باور حسینی است. برخی دانش و بینش حسینی دارند؛ اما نگرش حسینی ندارند و نگرش‌شان با مکتب امام حسین (ع) زاویه دارد. برای مثال در احوالات شهید حاج قاسم، این مسأله کاملاً مشهود است؛ آن هم حاج قاسمی که سپاه عظیم بین‌المللی را مدیریت می‌کرد و سرلشکر و فرمانده ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران که یک ژنرال بین‌المللی محسوب می‌شد؛ به‌گونه‌ای که ابرقدرت‌های دنیا از آن حساب می‌بردند. بارها و بارها تمام نهادهای امنیتی جلسه تشکیل دادند که این مرد را شهید کنند تا حتی رئیس‌جمهور ابرقدرت دنیا می‌نشیند و با چند نهاد امنیتی دنیا برنامه‌ریزی می‌کند تا از طرق مختلف چون پهپادها، بالگردها و قوی‌ترین امکانات نظامی و امنیتی این مرد را شهید کنند. چنین نقل و دیده شده که این مردم بزرگ از بالا به مردم نگاه نکرد و با کودکان شهدای می‌نشست و با آنها بازی می‌کرد. نمی‌گفت: من فرمانده ارشد نظامی دنیا هستم که خانواده شهدا را فراموش کند؛ بلکه با همان نگرش حسینی که توحیدی بود، به خانواده و فرزندان شهدا توجه داشت؛ حتی به دختر و پسری که ظاهر مذهبی نداشتند، محبت می‌کرد. این نگرش توحیدی به‌همان اندازه برای حاج قاسم ارزشمند است که آن نگرش را در میدان نبرد داشت. تا جایی که حفاظت از جان مسیحی، سنی، شیعه و دیگر ادیان برایش یکسان بود؛ چراکه انسان برایش حرمت داشت و این نتیجه همان نگاه توحیدی است. دلیل اینکه سردار سلیمانی وارد میدان می‌شد و دشمن از او بیمناک و هراسناک می‌شد، به‌خاطر وجود همین نگاه توحیدی بود که برگرفته از نگرش حسینی است.

منش حسینی

ملکات نفسانی و داشتن فضائل و دور بودن از رذائل اخلاقی بیان‌گر وجود منش حسینی است. برای مثال گاهی اوقات انسان نسبت به دیگران تواضع می‌کند؛ اما در جانش تکبر و حسادت موج می‌زند. این حالت نشان می‌دهد که منش فرد ایراد دارد. گاهی اوقات انسان به زبان می‌گوید من ولایت‌مدار هستم؛ اما در قلب و جانش ولایت‌مدار نیست؛ این حالت از منش آدمی خبر می‌دهد. افراد کمی نبودند که برای امام حسین (ع) نامه نوشتند که کوفه بیایند و صدها تن از سران قبایل نامه‌ها را امضا کردند؛ اما با آمدن ابن زیاد به کوفه، از موضع خود عقب‌نشینی کردند. چطور می‌شود، سران قبایل که هرکدام بیش از صد تن جنگاور گردشان بود، به یکباره از موضع خود عقب‌نشینی می‌کنند. قصه ترسیدن از ابن زیاد نیست؛ بلکه قصه مربوط به منش آنان می‌شود. ولایت‌مداری در وجود آنان نفوذ نکرده بود و فقط با زبان، خود را ولایت‌مدار معرفی می‌کردند؛ اما در عمل به‌گونه‌ای دیگر رفتار داشتند؛ درحالی که وهب، زبانی و قلبی ولایت‌مدار نبود و بعد از ملاقات حضرت قلباً ولایت‌مدار شد.

منش جون، غلام امام حسین (ع) با حضرت علی اکبر و همچنین منش حبیب‌بن‌مظاهر با وهب حسینی بود. شعار حسینی سر دادن خوب و ارزشمند است؛ اما این شعار به‌خاطر آن است که در قلب نفوذ کند؛ از این‌رو منش یک امر قلبی و درونی است و همه انسان‌ها می‌دانند که تا چه مقدار منش حسینی دارند.

کنش حسینی

مراد از کنش حسینی آن است که انسان هر کاری انجام می‌دهد، توحیدی باشد. امام حسین (ع) بعد از شهادت برادر در طول آن ۱۰ سال که معاویه زنده بود، هیچ قیامی نداشت و قعود داشت و این قعود توحیدی بود؛ اما امام حسن (ع) مدتی به قیام و برهه‌ای از زمان هم قعود داشتند. این قعود و قیام امام حسن و امام حسین (ع) هر دو توحیدی بود. امام حسین (ع) اگر به فکر دنیای خود بود هرگز کوفه نمی‌رفت.

لازم است، انسان این پنج رکن را با زندگی فردی و اجتماعی خود تطبیق دهد تا مشخص شود، افراد تا چه میزان حسینی هستند. حسینی بودن و حسینی ماندن این است که کل مکتب امام حسین (ع) را فرا بگیریم. اینکه بخشی از مکتب فرا گرفته شود و بخش دیگر در جان انسان تعبیه نشود، این حسینی بودن و حسینی ماندن نیست.

دانش حسینی

امام حسین (ع) علم به شهادت داشتند و می‌دانستند که شهید



داستان کسانی که سرنوشت‌شان کربلایی نشد

فرارسیدن ایام عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین و یاران شهیدش فرصتی است تا بار دیگر ابعاد این حماسه عظیم تاریخی مورد توجه اهل دقت و تأمل قرار گیرد و عبرت‌هایی برای هدایت امروز جامعه اسلامی حاصل آید. در این میان سوالاتی که همواره مطرح بوده، این است که چرا فقط ۷۲ نفر در بزرگ‌ترین صف‌آرایی تاریخی جبهه حق و باطل، در صف حامیان امام جبهه حق به میدان آمده بودند، چرا از میان امت پیامبر که آن روزها مرزهای سرزمینی خود را تا آفریقا و آسیای میانه و شبه جزیره هند گسترش داده بودند، فقط این تعداد معدود به صف نهضت حسینی پیوستند و هزاران هزار غایب بودند، چرا سرنوشت مسیر آنان را تا رسیدن به کربلا و خیمه‌های اباعبدالله هموار نمود و از عظیم‌ترین توفیق بشریت محروم ماندند؟ برای پاسخ به این سؤال باید فهرست غایبان کربلا را مرور کرد.

۱. توده‌های عوام:

بخش عمده‌ای از آنان که نیامدند، توده‌های عوامی بودند که مصاف حق و باطل، جزئی از زندگی‌شان نیست. آنان مشغول حیات روزمره شان هستند و دنیایشان کوچک‌تر از آن است که دغدغه‌های حسین بن علی (ع) در آن بگنجد. بنابراین، همواره در طول تاریخ و در بهترین حالت، نظاره‌گر صحنه‌ها بوده‌اند یا سیاه لشکریانی که عمه ظلم گردیده‌اند. بخش عمده‌ای از مردمان سال ۶۱ هجری از این قبیل بودند. آنان تحولات و فراز و نشیب‌های قدرت در حکومت اسلامی را می‌دیدند، اما هیچ‌گاه تلاش نمی‌کردند که خود در این امور نقش‌آفرین باشند.

این دسته در خوش‌بینانه‌ترین حالت در مواجهه با حماسه کربلا اشکی بر چشمان‌شان جاری شد و نفرینی را گریبان‌گیر بنی امیه کردند.

۲. خواص عاقبت‌طلب:

این جمله مشهور حضرت اباعبدالله علیه‌السلام را حتماً شنیده‌اید که فرمودند: «الناس عبید الدنیا والدين لعق علی السنتمهم یحوطنه مادرت معايشهم فاذا مَحْصُوا بالبلاء قل الذیانون»؛ مردم بنده دنیایی‌اند و دین لقلقه زبان‌شان. اما وقتی ابتلا و آزمایش سخت پیش آید، دینداران چه کم خواهند بود. بسیار بودند کسانی که حسین بن علی (ع) را می‌شناختند و حتی روزگاری در رکاب امیرالمؤمنین (ع) شمشیر زده بودند، و تفاوت حق و باطل و مکتب اهل بیت (ع) و جریان بنی‌امیه را به خوبی می‌دانستند، اما دنیاگرایی آنان مانع آن شد که در آن معرکه بزرگ حاضر شوند و در رکاب امام و برای دفاع از حقیقت شمشیر بزنند و به شهادت برسند. نمونه‌های فراوانی از این طیف را می‌توان برشمرد که برخی نامشان در تاریخ مانده است و بسیاری که نامی از آنان نیست، اما رسم و مراسمشان به مثابه لکه ننگ سیاهی در صفحات تاریخ مانده است. عبیدالله بن حر جعفی از جمله این افراد است که دست رد بر سینه فرزند رسول خدا می‌زند و اسبش را پیشکش می‌فرستد. دیگری همچون عمرو بن قیس، در جواب دعوت امام، خانواده خود را بهانه می‌کند و توفیق دفاع از حرم آل‌الله را از دست می‌دهد. هرثمه بن ابی مسلم نیز بهانه‌اش دخترانش هستند که در کوفه مانده‌اند و او از جان‌شان بیم دارد که اسیر دست این زیاد نگردند. اما خود می‌ماند و اسارت دختران صدیقه طاهره را نظاره می‌کند.

۳. خواص بی‌بصیرت:

دسته سوم، اما خواص بی‌بصیرتی هستند که توان تشخیص صحنه صف‌آرایی حق و باطل را در معرکه سیاست ندارند. آنان، چون گروه دوم، بیماردلانی نیستند که حب دنیا و جاه و مقام مانع رسیدن آنان به کربلا باشد، بلکه عدم شناخت است که موجب محرومیت آنان از قرار گرفتن در جبهه حق می‌گردد. اغلب آنان خود عماربندارانی هستند که توهم دانایی دارند و حتی فصل‌الخطاب امام جبهه حق را نیز پذیرا نیستند و ترجیح‌شان عمل به تشخیص خود است؛ تشخیصی که آنان را از حسین علیه‌السلام جدا می‌سازد.

اسامی غایبان بسیاری را می‌توان در ذیل این عنوان فهرست کرد. از سلیمان بن صرد خزاعی بزرگ شیعیان کوفه که وقتی حق را از باطل تشخیص داد که دیر شده بود، تا ابن عباس‌ها که امام را به رفتن به یمن توصیه کردند. یا، چون خواجه ربیع‌ها که حتی از فاتح‌های بر حسین بن علی (ع) دریغ می‌ورزد و کنج عزلت را بر شمشیر زدن بر رکاب رحمت واسعه الهی ترجیح می‌دهد.

این‌ها غایبان معرکه بزرگ تجلی شرافت و آزادگی و انسانیت هستند. غایبانی که داغ و حسرت غیبت را در یوم تبلی السرائر علی الدوام خواهند خورد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



داستان کسانی که سرنوشت شان کربلایی نشد

اغلب آنان خود عمارپندارانی هستند که توهم دانایی دارند و حتی فصل الخطاب امام جبهه حق را نیز پذیرا نیستند و ترجیح شان عمل به تشخیص خود است.

عاشورا لحظه های تکان دهنده جنگ

سریال به نام لشکری است که در سال های دفاع مقدس در عملیات های مختلفی حضور داشته است. در مقطعی که سریال به آن پرداخته، فرماندهی این لشکر شهید مهدی باکری بوده و در دو عملیات بزرگ خیبر و بدر حضور داشته است.

1

1

تیمی که شباهت به پرافتخارترین تیم آسیا نداشت سومی ناباورانه در تورنمنتی ۴ جانبه!



تیم ملی فوتبال زنان ایران در آخرین بازی خود در تورنمنت بین المللی چین برابر تیم میزبان که ۲ بازی قبلی خود را هم واگذار کرده بود، با نتیجه ۵ بر یک پیروز شد تا با یک برد، یک تساوی و یک باخت در رتبه سوم تورنمنت ۴ جانبه چین قرار گیرد!

ازبکستان با ۲ برد و یک تساوی قهرمان شد و ویتنام هم با یک برد و ۲ تساوی به مقام دوم رسید.

زنان فوتسال ایران با ۲ قهرمانی در جام ملت های آسیا و کسب مقام پنجم جهان، پرافتخارترین تیم قاره آسیا محسوب می شوند و چین، ازبکستان و ویتنام جزو تیم های درجه دوم فوتسال زنان هستند.

ملی پوشان ایران خود را برای حضور در رقابت های قهرمانی داخل سالن آسیا که آذرماه به میزبانی تایلند برگزار می شود، آماده می کنند.

رضایت ۶۰ درصدی مردم



مرجعیت رسانه ملی در حوزه ورزش بر اساس نظرسنجی کشوری/ رضایت ۶۰ درصدی مردم از عملکرد صداوسیما در پوشش رویدادهای ورزشی بر اساس گزارش مرکز تحقیقات و افکارسنجی سازمان صدا و سیما، حدود ۶۰ درصد پاسخگویان از عملکرد تلویزیون در خصوص پوشش رویدادهای ورزشی ابراز رضایت کرده اند.
بر اساس این گزارش، از بین کسانی که رویدادهای ورزشی را از طریق رسانه ملی دنبال می کنند، ۵۸.۶ درصد آنان، ورزش فوتبال را پیگیری می کنند. پس از آن به ترتیب ورزش کشتی با ۳۱.۸ درصد و ورزش والیبال با ۳۰.۵ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند.

جوانان بسکتبال ایست ایران فاتح فینال شدند



تیم ملی زیر ۱۸ سال بسکتبال پسران ایران در مرحله فینال رقابت های انتخابی کاپ آسیا ۲۰۲۴ مقابل لبنان به رقابت پرداخت و با نتیجه ۶۹ بر ۵۴ تیم حریف را شکست داد.

ملی پوشان کشورمان پیش از این با حضور در فینال این مسابقات سهمیه حضور در رقابت های کاپ آسیا ۲۰۲۴ را کسب کردند.

یک آزادی و یک دنیا چالش!

شیوا نوروزی



تعیین شده مصمم است و دقیقاً به خاطر این مسائل از کره شمالی (در جریان انتخاباتی جام جهانی) یک امتیاز کسر کرد.
تا قبل از این سرمان را به VAR و خرید تجهیزات و مجوز حرفه ای گرم کرده بودند، ولی حالا هشدار می دهند تا خودمان را برای برخورد های سخت کنفدراسیون آسیا آماده کنیم. در شرایطی که کشورهای همجوار و آسیایی تمام فکر و ذکر فوتبالی شان درخشش در جهان است، تلخ است که ما سقف آرزوهایمان تعمیر ورزشگاه آزادی باشد و گرفتن تأیید ای اف سی یک دستاورد بزرگ در کارنامه مدیریتی آقایان محسوب شود.

موضوع بی برنامه گی و بی مسئولیتی افرادی است که به رغم تصدی پست های مهم از زیر بار مسئولیت شانه خالی و آزادی را به حال خود رها کردند.

ای اف سی مدت ها است که دیگر با هیچ کشوری شوخی ندارد و قوانین حرفه ای را بدون تبعیض اعمال می کند. این واقعیت را حتی تیم های عربی متمول نیز درک کرده و به هر شکل ممکن ایرادات مدیریتی و مالکیتی شان را بر طرف کرده اند. بحث مالکیت سرخابی ها به نوعی مرتفع و مجوز حرفه ای صادر شده، اما فرسودگی ورزشگاه آزادی آنقدر عیان و واضح است که حتی با تعمیرات معمول و تعویض چمن نیز نمی توان آن را پنهان ساخت. کنفدراسیون آسیا برای صدور مجوز میزبانی ورزشگاه ها چه در لیگ قهرمانان و چه برای بازی های ملی، ملاک های مشخصی دارد که آزادی بسیاری از آن ها را ندارد؛ تعداد مشخص صندلی های جایگاه خبرنگاران و VIP، تجهیز جایگاه خبرنگاران به میز و گنجاندن پرز برق به تعداد صندلی خبرنگاران، تأمین برق ورزشگاه از طریق کابل های فیبر نوری، استقرار تجهیزات VAR و دوربین روی خط دروازه و استفاده از اسکووردهای حرفه ای بخشی از الزامات آسیا هستند. به گفته نبی، عضو هیئت رئیسه فدراسیون، بازرسان کنفدراسیون اوایل شهریور به تهران خواهند آمد و موشکافانه شرایط و امکانات آزادی را مورد بررسی قرار خواهند داد. اگر آزادی به تأیید بازرسان نرسد باید منتظر جریمه ۲۵۰ هزار دلاری و سلب میزبانی از تیم ملی و تیم های پرسپولیس و استقلال باشیم. ای اف سی در اجرای الزامات

بازسازی ورزشگاه آزادی در جریان است و از آنجا که سخت گیری های بین المللی برای برگزاری دیدارها شدت پیدا کرده، مسئولان فوتبال احساس خطر کرده و طوری نسبت به اعمال جریمه سنگین هشدار می دهند که گویا مردم مقصر فرسودگی زیاد و عدم بازسازی به موقع این ورزشگاه هستند.

جلسه ای تحت عنوان «چالش های برگزاری مسابقات لیگ قهرمانان آسیا و مقدماتی جام جهانی در ورزشگاه آزادی» با حضور مدیران فدراسیون، مدیران شرکت توسعه و تجهیز و سرپرست ورزشگاه آزادی برگزار شد و بر طرف کردن چالش ها جهت برگزاری دیدارهای ملی و باشگاهی در سطح آسیا، اصلی ترین محور این جلسه بود. اما این واقعیت را هم ما می دانیم و هم افراد حاضر در این جلسه؛ نواقص اساسی ورزشگاه آزادی با یکی، دو جلسه و نشست خبری رفع نخواهد شد.

آزادی، مجموعه ورزشی بزرگی است که طی چند دهه اخیر مورد استفاده رشته ها و فدراسیون های مختلف قرار گرفته است. با اینکه نقش این مجموعه در ورزش حرفه ای و قهرمانی کشورمان بر هیچ کس پوشیده نیست و بارها و بارها میزبان تورنمنت های مختلف ورزشی در آن بوده ایم، اما چند دهه بی توجهی به بازسازی و مرمت مجموعه باعث شده بحران فرسودگی تمام مجموعه آزادی را تحت تأثیر قرار دهد. در این مدت فدراسیون های مستقر در آزادی و آن ها که به صورت مداوم از سالن ها و امکانات مجموعه استفاده می کنند، هر یک با کمک وزارت ورزش و سازمان توسعه و تجهیز و البته تلاش و برنامه ریزی خود، اقدام به بازسازی سالن یا حتی ساخت امکانات و زیرساخت های جدید کرده اند، ولی بازسازی ورزشگاه فوتبال آزادی را کسی گردن نگرفت! هرازگاهی حرف از تعمیر سکوها، صندلی ها، احیای چمن، بازسازی جایگاه ها و از این دست موارد زده شد، اما هر بار پای بی پولی وسط آمد. از همه این ها مهم تر،